

آیاتها **سُورَةُ النَّبَاِ** ۴۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ۱ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ ۲ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ۳

در بره‌ی چه چیز (از تو) می‌پرسند؟ ۱ در بره‌ی آن خبر مهم و بزرگ: ۲ که آن‌ها در بره‌ی (راست بودن) آن، (یا تو) اختلاف دارند. ۳ به هیچ وجه (چنین نیست

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۴ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۵ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ۶

که می‌پندارند و نباید چنین کنند)، قطعاً به‌زودی خواهند دانست. ۴ باز هم (می‌گویم که) به هیچ وجه (چنین نیست که می‌پندارند و نباید چنین کنند) قطعاً

وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا ۷ وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ۸ وَ جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ

به‌زودی خواهند دانست. ۵ آیا زمین را (همچون) بستری (نرم و راحت) قرار ندادیم؟ ۶ کوه‌ها را مایه‌ی ثبات (زمین از لرزش قرار ندادیم؟) ۷ شما را به

سُبَاتًا ۹ وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ۱۰ وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ۱۱

کوله‌هایی (متنوع) نیافریدیم؟ ۸ و خواب‌تان را مایه‌ی آرامش (شما) قرار ندادیم؟ ۹ و (یا تاریکی) شب را (همچون) پوششی (برای شما) قرار ندادیم (تا در پناه

وَ بَدَنًا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۱۲ وَ جَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ۱۳

آن بیاسایید؟) ۱۰ و روز را زمان (تلاش برای) زندگی قرار ندادیم؟ ۱۱ و پر فراز شما، هفت (آسمان) محکم و استوار بنا نکردیم؟ ۱۲ و چراغی پر نور و با حرارت (در

وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۱۴ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا ۱۵

آسمان، نیافریدیم؟) ۱۳ و (آیا) از ابرهای متراکم، آبی فراوان فرو نرساندیم؟ ۱۴ تا به وسیله‌ی آن، دانه و گیاه و درختانی نبوه و پرشاغورک

وَ جَنَّتِ الْآفَاقُ ۱۶ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ۱۷ يَوْمَ يُنْفَخُ

برویانیم. ۱۵ و ۱۶ روز دوری (میان خلائق) (زمان مشخص شده برای تقیق وعده‌ی خداوند) است؛ ۱۷ روزی که در صورت دیده می‌شود و (شما از گورهایتان

فِي الصُّورِ فَتَاتُونَ أَفْوَاجًا ۱۸ وَ فُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۱۹

برمی‌خیزید و) گروه گروه (به عرصه‌ی محشر) می‌آید. ۱۸ و آسمان گشوده می‌شود؛ بدین ترتیب که به صورت درهایی (متعدد) درمی‌آید. ۱۹ و کوه‌ها (به

وَ سُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ۲۰ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ۲۱

شدت) به حرکت درآمده می‌شود؛ در نتیجه (به غباری تبدیل شده)، مانند سرابی (بی‌حقیقت) می‌شوند. ۲۰ برایستی جهنم، کمین‌گاهی (برای گنه‌گران) است

لِلظَّالِمِينَ مَبَايَأَ ۲۲ لِلْبِئْسِ فِيهَا أَحْقَابًا ۲۳ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا

(و نمی‌توانند از جنگ مأموران آن بگریزند)؛ ۲۱ (و) پایان مسیر و آخرین منزلگاه ظالمین گران است؛ ۲۲ (و) سال‌های سال در آن خواهند ماند. ۲۳ در آنجا هیچ چیز

وَ لَا شَرَابًا ۲۴ إِلَّا حَمِيمًا وَ غَسَاقًا ۲۵ جَزَاءً وَفَاقًا ۲۶ إِنَّهُمْ

خنک و هیچ نوشیدنی (کواری) نمی‌چشند؛ ۲۴ لذا آبی جوشان و چرک و غولی که از (زخم‌های دوزخیان) جاری شده است، به آنان خورانده می‌شود. (و

كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ۲۷ وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ۲۸ وَ كُلُّ

بدین‌وسویه)، کاملاً متناسب (با اعمال‌شان) کیفر می‌شوند؛ ۲۵ و ۲۶ چرا که آنان، انتظار محاسبه‌ی (اعمال‌شان) را نداشتند، ۲۷ آیات و نشانه‌های ما را به‌شدت

شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ۲۹ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ۳۰

انکار می‌کردند. ۲۸ و قطعاً ما همه چیز را تا به آخر، (در کتاب علم خویش) ثبت و ضبط کرده‌ایم. ۲۹ پس بیشید؛ که چیزی جز عذاب بر شما نمی‌افزایم. ۳۰

۶ تا ۱۶. دوازده نعمت بزرگ: خدای مهربان، در این آیات، این دوازده نعمت مهم را به ما یادآوری می‌کند تا بفهمیم خدایی که چنین نعمت‌هایی را آفریده، قدرت برپایی رستاخیز و زنده کردن مردگان را دارد، و نیز با خود بیندیشیم که وجود این همه نعمت، بی‌سبب نبوده و بی‌شک خدای حکیم از پدید آوردن آن‌ها، هدف مهمی داشته است:

۱- زمین آرام: آیه ۶، زمین را به گهواره‌ای نرم و آرام تشبیه کرده که مایه‌ی آسایش ساکنان خود است و به آرامی آنان را حرکت می‌دهد. این کره‌ی گول‌پیکر خاکی، با سرعت به دور خورشید و به دور خودش حرکت می‌کند؛ ولی ما حرکتی را احساس نمی‌کنیم و با آرامش در آن زندگی می‌کنیم. ۲- کوه‌های استوار: آیه ۷، کوه‌ها را به میخ تشبیه کرده است. چه تعبیر زیبایی! کوه‌ها در اعماق زمین ریشه دارند و در آنجا به هم پیوسته‌اند و از حرکت لایه‌های آن با فشار مواد مذاب درون زمین جلوگیری می‌کنند. همچنین کوه‌ها همچون دیوار بلندی در برابر طوفان‌های شدید می‌ایستند. ۳- همسران: آیه ۸ به نعمت «زوجیت» اشاره کرده است؛ نعمتی که ضامن بقای نسل انسان، و نیز مایه‌ی آرامش اوست. ۴- خواب: یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا به انسان‌ها، خواب است؛ نعمتی که باعث تجدید قوای جسمی و روحی او می‌شود، به انسان آرامش می‌بخشد و خستگی را از تن او خارج می‌کند و به او نشاط می‌دهد. ۵- پوشش شب: آیه ۱۰ از نعمت شب می‌گوید؛ پدیده‌ای که همچون یک لباس مشکی، همواره بر نیمی از کره‌ی زمین سایه می‌افکند و آسایش و آرامش را به اهالی آن می‌بخشد. همه می‌دانیم که هیچ‌گاه تأثیر استراحت و آرامش در شب، با خواب روز، مقایسه‌شدنی نیست. ۶- روز: زمان بیداری، تلاش و حرکت.

آیا تا به حال با خود اندیشیده‌ایم که چرا در همیشه‌ی تاریخ، در همه‌ی نقاط دنیا، مردم صبحگاهان به پا می‌خیزند و دنبال کار و فعالیت و تلاش می‌روند؟ آیا این پدیده، اتفاقی‌ست؟ ۷- هفت آسمان محکم: مفسران در باره‌ی این آیه سخنان گوناگونی گفته‌اند. شاید منظور از آن، لایه‌های جو زمین باشد که از مردم در برابر سنگ‌های آسمانی محافظت می‌کند. شاید هم منظور از آن، آسمان‌های هفتگانه باشد که تمام آنچه ما می‌بینیم، جزء آسمان یکم آن محسوب می‌شود. به هر حال، نظام آسمان و ستارگان، یکی از پیچیده‌ترین نظام‌های هستی و نشانگر قدرت بی‌نهایت آفریدگار آن است. ۸- چراغ فروزان آسمان: همه می‌دانیم که زندگی تمام موجودات زمین، به خورشید وابسته است؛ ستاره‌ی بسیار داغی که در هر ثانیه، ۴۰۰۰ انفجار اتمی در آن رخ می‌دهد تا ما زمینیان برای زندگی، نور و گرما داشته باشیم. ۹- باران: پدیده‌ای بسیار عجیب؛ تبخیر آب دریاها، تبدیل شدن آن به ابرهای باران‌زا، حرکت آن ابرها به هزاران کیلومتر دورتر، و ریزش باران و بخشش زندگی به موجودات زمین. آیا با دیدن این نعمت، چاره‌ای جز گواهی دادن به قدرت خدا، پیش رو هست؟ ۱۰ و ۱۱ و ۱۲- رویش دانه‌های خوراکی مانند گندم، برنج، لوبیا و...، سبزی‌ها و ریشه‌های خوراکی مانند سیب‌زمینی، هویج و... و باغ‌های پردرخت میوه به وسیله‌ی باران؛ گیاهانی که همگی از خاک مرده به وجود می‌آیند.

آیا چنین خدایی می‌تواند مردگان را در قیامت زنده کند و از خاک بیرون آورد؟

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۳۱ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ۳۲ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ۳۳ وَكَأْسًا

نجات و کامیابی، تنها از آن پر هیز کلران است؛ ۳۱ یعنی باغها و درختان انگور؛ ۳۲ و زنانی بس — یار جوان و همسن سال؛ ۳۳ و جامی لبریز از

دهاقا ۳۴ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا ۳۵ جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً

شرابهای بهشتی؛ ۳۴ در آنجا، نه حرف زشت و بیهودهای به گوش شان می رسد، و نه کسبی، دیگری را دروغ گو می شمارد. ۳۵ (و بدین ترتیب،

حِسَابًا ۳۶ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ

پر هیز کلران) از جانب پروردگرت پاداش داده می شوند، (و آن، عطایی فروان و کافی) ۳۶ (همو) مالک و صاحب اختیار آسمانها و زمین و

مِنْهُ خِطَابًا ۳۷ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ

آنچه میان آن هاست، می باشد؛ یعنی (خدای) رحمان که در پیشگاه او توان هیچ بحث و اعتراض نداشتند. ۳۷ در آن روز که روح و فرشتگان به صف

إِلَّا مَنْ أَدْنَىٰ لَهُ الرُّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ۳۸ ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَنْ

می ایستند، (هیچ یک) سخن نمی گویند؛ مگر کسی که (خدای) رحمان به او اجازه دهد، و (اگر اجازه دهد) سخنی درست و به حق می گویند. ۳۸ (فرا

شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَثَابًا ۳۹ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ

رسیدن) آن روز، حتمی است، بنابراین، هر کس که بخواهد، (می تواند) راهی را پیش گیرد که سرانجام به پروردگوش منتهی می شود. ۳۹ ما در پاره یی

يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ۴۰

عذایی نزدیک به شما هشدار دادیم؛ آن روز که انسان به آنچه که (از دنیا) پیش فرستاده است، می نگرد و کافر می گویند: «ای کاش خاک بودم.» ۴۰

آیاتها ۴۶ سُوْرَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
به نام خدایند بخشندهی مهربان

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ۱ وَالتَّشْيِطِ نَشْطًا ۲ وَالسَّيِّحَاتِ سَبْحًا

سوگند به آن (فرشته)هایی که بهشت و سرعت (از جای خود) کنده می شوند، و به حرکت در می آیند؛ ۱ سوگند به آن (فرشته)هایی که با چاک (از محل خود) خارج می شوند؛ ۲ سوگند

۳ فَالسَّيِّغَاتِ سَبْقًا ۴ فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا ۵ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ

به آن (فرشته)هایی که با سرعت (در هو) شناور می شوند؛ ۳ سپس (از یکدیگر) سبقت می گیرند، و پیش می افتند؛ ۴ آنکه کاری را با دقت می کنند (سوگند به اینها که قطعاً پس از

۶ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ۷ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ۸ أَبْصَارُهَا

مرگ زنده خواهد شد؛ ۶ در آن روز که آن (ساده)ی تکان دهند، زمین را) بهشت بپزند. ۷ و این در حالی است که در پی آن، ساده یی بعدی اتفاق خواهد افتاد. ۸ در آن روز، دلها یی

خَاشِعَةٌ ۹ يَقُولُونَ أَيْنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ۱۰ أَعِذَا كُنَّا

به شدت مضطرب است؛ ۹ و دیدگان شان (از ترس) فرو افتاده است؛ ۱۰ (هم) آنان که اکنون در دنیا) می گویند: «آیا به راستی ما (پس از مرگ) دویزه زنده شده) به حالت کاشفه

عِظَامًا نَخِرَةً ۱۱ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ۱۲ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ

بزرگدانه می شویم؟! ۱۰ (آن هم) زمانی که استخوانهایی پوسیده شده ایم؟! ۱۱ در این صورت، آن بزرگش زیان بار خواهد بود. ۱۲ (آینه آن را ناممکن میندازند) زیرا (برپایی) آن

وَاحِدَةٌ ۱۳ فَاذًا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۱۴ هَلْ أُنْتَلِكُ حَدِيثُ مُوسَىٰ ۱۵

فقط (به) یک بانگ (عظیم، و بسته) است (و پس) ۱۳ و پس از آن، بیکباره ایشان در صحرای (مشرقی) حاضر می شوند. ۱۴ آیا سرگذشت موسی (به گوش) تو رسیده است؟! ۱۵

۱ تا ۵. مأموران تدبیر نظام هستی: جهان هستی، جهانی پر راز و رمز است؛ چنان که با کشف یک حقیقت علمی برای دانشمندان، سؤالات متعدد دیگری در ذهن‌هایشان ایجاد می‌شود. قرآن نیز سر بسته به این نکته اشاره کرده، در آیه‌ی ۸۵ سوره‌ی اسراء می‌فرماید: ﴿وَمَا أَوْتِیْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِیْلًا﴾؛ یعنی تنها اندکی از علم و دانش به شما داده شده است. یکی از حقایق جهان آفرینش که وجود آن از طریق پیامبران و امامان به ما رسیده و حواس پنجگانه‌ی ما از درکش ناتوان است، «فرشتگان» هستند؛ موجوداتی نامرئی که سراسر هستی از آن‌ها پر شده است. آیات مورد بحث، با اشاره به این موجودات، در باره‌ی یکی از اصلی‌ترین وظایف آن‌ها یعنی «تدبیر امور جهان هستی» سخن گفته است. از این آیات استفاده می‌شود که فرشتگان الهی، پس از این‌که به کاری مأمور می‌شوند، به‌شدت و سرعت از جای خود کنده شده، به حرکت در می‌آیند و شتابان از محل خود خارج شده، همچون غواص ماهری که در آب شناور می‌شود، در آسمان‌ها پرواز می‌کنند. سپس برای انجام فرمان خدا، از یکدیگر سبقت می‌گیرند و هر کاری را با دقت انجام می‌دهند.

بر اساس این آیات، هنگامی که خداوند برای کاری تصمیم می‌گیرد، فرشتگانی را مأمور می‌کند، و آن‌ها با سرعت تمام برای انجام آن کار می‌شتابند و آن را به پایان می‌رسانند. قرآن کریم در آیات متعددی به چند نمونه از این مأموریت‌ها اشاره کرده است. مثلاً بر اساس آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی بقره، فرشته‌ای به نام جبرئیل، مأمور رساندن پیام‌های خدا به پیامبران است؛ یا به فرموده‌ی آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی سجده، فرشته‌ای از سوی خدا، مأمور گرفتن جان انسان‌هاست که در روایات، «عزرائیل» معرفی شده است؛ یا بر اساس آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی انعام، گروهی از فرشتگان، مأمور محافظت انسان‌ها و ثبت اعمالشان هستند. از روایات نیز استفاده می‌شود که برخی از فرشتگان خدا، مأمور استغفار و آموزش خواستن برای مؤمنان هستند، و بعضی مأمورند که نزد قبور پاک آمده بیانند و در آنجا عبادت کرده، به اهل بیت علیهم‌السلام و زائران آن‌ها ادای احترام کنند. همچنین بر اساس روایات، گروهی از فرشتگان، مأمور محافظت از گیاهان زمین هستند. از روایات استفاده می‌شود که شمار هیچ‌یک از مخلوقات خدا، به اندازه‌ی فرشتگان نیست. نکته‌ی دیگری که از این آیات استفاده می‌شود، این است که خداوند به گروهی از مخلوقات خود یعنی فرشتگان، قدرت‌های ویژه‌ای بخشیده تا کارهای جهان را سامان دهند. بنابراین هیچ اشکالی ندارد که به برخی از انسان‌ها مانند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام نیز قدرت‌های ویژه‌ای بخشیده باشد تا آنان هم در سامان دادن امور جهان شرکت داشته باشند. این حقیقتی است که بسیاری از روایات، آن را تأیید می‌کنند. با این حال، گروه گمراه و به‌ظاهر مسلمان وهابیت، شیعیان را برای داشتن چنین اعتقادی به شرک متهم می‌کنند. بنا بر نظر آنان، اعتقاد به تدبیر امور و اداره‌ی جهان توسط فرشتگان نیز نوعی عقیده‌ی شرک‌آلود است و تنها خداوند است که جهان را اداره می‌کند؛ در حالی که آیات مورد بحث، مطلب دیگری می‌گویند.

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾ إِذْ هَبَّ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿١٧﴾

در آن زمان که پروردگارش در سرزمین مقدس «طوی» او را ندا داد: ۱۶ (که) نزد فرعون برو: زیرا او سرکشی کرده است. ۱۷ آنگاه (به او) بگو: «آیا به

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَهٌ إِلَّا أَنْ تَرْكَبُوا ﴿١٨﴾ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَرِنَهُ

رشد یافتن علاقه داری: ۱۸؛ و این که تو را به (شناخت) مالک و صاحب اختیارات پرسانم تا (از او) پرسی: ۱۹؛ پس (از بحث و گفتگو بگوئی فروان)

الآيَةِ الْكُبْرَىٰ ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ

بزرگترین معجزه (ای را که با خود داشت،) به او نشان داد: ۲۰؛ (ولی) پس از آن، (فرعون) آن را دروغ شمرد و نافرمانی کرد. ۲۱؛ آنگاه بسرعت (از آن

﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ﴿٢٥﴾

مجلس) بپا کرد. ۲۲؛ سپس (مردم را) جمع کرد و ندا داد: ۲۳؛ بدین ترتیب که گفت: «من بزرگترین مالک و صاحب اختیار شما هستم! ۲۴؛ خداوند

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَىٰ ﴿٢٦﴾ ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا

نیز چنان با کيفر آخرت و دنیا عذابش کرد که مایهی عبرت دیگران شود. ۲۵؛ قطعاً در این سرگذشت، عبرتی (بزرگ) برای کسیست که (از خدا)

﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّبَهَا ﴿٢٨﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾

می‌ترسد. ۲۶؛ آیا آفرینش (مجدد) شام، سخت تر است، یا (خلقت) آسمان‌ها که (خدا) آن‌ها را ساخته است؟ ۲۷؛ (بدین ترتیب) از لغزشش را بالا برد.

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾

آنگاه آن را کامل و بی‌نقص آفرید. ۲۸؛ و شیش را تاریک و روزش را آشکار کرد. ۲۹؛ و پس از آن، (خشکی‌های) زمین را گسترش داد. ۳۰؛ از آن، آب (مورد

وَالْجِبَالَ أَرْسَلَهَا ﴿٣٢﴾ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِإِنْعَامِكُمْ ﴿٣٣﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ

نیاز چاندن) آن و چراگاه (های) آن را بیرون آورد. ۳۱؛ و کوه‌ها را (بر روی آن) محکم و استوار کرد. ۳۲؛ (این‌ها را آفرید) تا شما و چهارپایان‌تان را (از

الْكُبْرَىٰ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ﴿٣٥﴾ وَبُرُزَّتِ الْجَحِيمُ

(آن) بهره‌مند کند. ۳۳؛ پس، آنگاه که هولناک‌ترین واقعه فرارسد: ۳۴؛ همان روزی که انسان، گزاهای خود را به یاد می‌آورد؛ ۳۵؛ و دوزخ برای هر

لِمَنْ يَرَىٰ ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ﴿٣٧﴾ وَعَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ

بیننده‌ای کاملاً آشکار می‌شود؛ هر کس که سرکشی کرده باشد، ۳۷؛ و زندگی دنیا را (بر آخرت) ترجیح داده باشد، ۳۸؛ جایگاه (وی) فقط دوزخ

هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ

خواهد بود. ۳۹؛ اما کسی که از مقام و منزلت مالک و صاحب اختیارش ترسیده و نفس (خود) را از هوا و هوس باز داشته باشد، ۴۰؛ جایگاه (وی) فقط

﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا

یهیست خواهد بود. ۴۱؛ از تو در باره قیامت می‌پرسند که چه زمانی برپا می‌شود. ۴۲؛ تو را با سخن گفتن در باره (وقت) آن چه کاره ۴۳؛ علم آن،

﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا ﴿٤٣﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَلُهَا ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ

مخصوص پروردگار توست (و کس دیگری از آن اطلاع ندارد). ۴۴؛ تو صرفاً کسی را که از آن می‌ترسد، هشدار می‌دهی (و وظیفه‌ی دیگری در قبال آنان

مَنْ يَخْشَاهَا ﴿٤٥﴾ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿٤٦﴾

نداری). ۴۵؛ روزی که آن را می‌بینند، چنین احساس می‌کنند که (کوئی فقط یک عصر یا صبحی (کوتاه) از آن (روز) را (در دنیا) توقف کرده اند. ۴۶

سُورَةُ النَّازِعَاتِ
آیاتها ۴۲

۳۷ تا ۴۱. طغیانگران دنیاپرست و خداترسان باتقوا: این آیات در چند جمله‌ی کوتاه و پرمعنی، سرنوشت شوم و دردناک هواپرستان و فرجام زیبا و شیرین خداپرستان را بیان می‌کند. به فرموده‌ی این آیات، دو عامل اصلی باعث دوزخی شدن دوزخیان، و دو عامل مهم باعث بهشتی شدن بهشتیان خواهد شد. عوامل دوزخی شدن دوزخیان این‌هاست

- ۱- طغیان: طغیان به معنای «از حد گذشتن» است. حتماً شنیده‌اید که فلان رودخانه طغیان کرد؛ یعنی از حد مشخص خود فراتر رفت. انسان نیز حد معینی دارد که در آن حد و اندازه، بنده‌ی خوب خدا شمرده می‌شود. تمام دستورهای پیامبران، برای حفظ این حد و حدود است. تا زمانی که انسان، خود را بنده‌ی خدا بداند و از فرمان او اطاعت کند، حد خود را نگه داشته؛ ولی هنگامی که خود را بزرگ‌تر از آنچه هست، فرض کند و با گناه و نافرمانی خدا، از حد خود تجاوز کند، طغیان کرده و طغیانگر شمرده می‌شود.
- ۲- ترجیح دادن دنیا بر آخرت: دومین عامل دوزخی شدن دوزخیان، برتری دادن دنیا به آخرت است. واقعیت این است که همه‌ی ما بارها بر سر دوراهی دنیا و آخرت قرار گرفته و خواهیم گرفت؛ دوراهی‌هایی که گاه انتخاب یکی از آن‌ها بسیار دشوار می‌شود؛ چراکه معمولاً راه دنیا که در آخر به دوزخ می‌رسد، همراه با شیرینی و لذتی زودگذر است، و راه آخرت که در نهایت به بهشت می‌رسد، با تلخی و سختی زودگذری همراه است. دوراهی فرار از میدان جنگ و جهاد و حضور در آن، دوراهی ارتباط با نامحرم و پرهیز از آن، دوراهی خوردن مال حرام و خودداری از آن، و... دوراهی‌هایی‌ست که همه‌ی ما با آن‌ها مواجه شده یا خواهیم شد.

آری، اکنون انسان معنای این سخن امام باقر علیه السلام را بهتر درک می‌کند که فرموده است: «بهشت در لابه‌لای ناراحتی‌ها و صبر و استقامت پوشیده شده، و هر کس در برابر ناراحتی‌ها [و ترک لذت‌های حرام] در دنیا صبر کند، داخل بهشت می‌شود؛ اما دوزخ در لابه‌لای لذت نامشروع و شهوات سرکش پوشیده شده، و هر کس نفس خویش را در برابر این لذت‌ها آزاد بگذارد، داخل آتش خواهد شد.» در مقابل، آیه‌ی ۴۰ همین سوره، دو عامل مهم بهشتی شدن بهشتیان را چنین ذکر می‌کند: ۱- ترس از مقام خدا و توجه به حضور دائمی او: بهشتیان، کسانی هستند که در دنیا پیوسته خود را در پیشگاه خدا می‌دانند و از آگاهی او از احوالشان می‌ترسند. این ترس و نگرانی، همیشه آنان را در حد بندگی نگه داشته، از طغیان و تجاوز از حد باز می‌دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که می‌داند خدا او را می‌بیند و آنچه را می‌گوید، می‌شنود و از کارهای خوب و بدش آگاه است، و این توجه، او را از کارهای زشت باز می‌دارد، کسی‌ست که از مقام پروردگارش می‌ترسد و نفس خویش را از هوا و هوس باز داشته است.» ۲- بازداشتن نفس از هوا و هوس: دوری از هواپرستی و خودداری از لذت و شهوت‌های حرام، دومین عامل ورود بهشتیان به بهشت است. امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که در هنگام دوست داشتن، موقع ترس، هنگام میل به چیزی، موقع خشم و غضب، و زمان خشنودی و خوشحالی، مالک نفس خودش باشد، خداوند بدنش را بر آتش حرام می‌کند.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّى ۱) أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ۲) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَزْكَى ۳)

(از نراحتی) احم کرد و رویش را برگرداند؛ چراکه آن مرد نابینا زودش آمد. ۲ چه می‌دانی؟ شاید او (از کفر و گناه) پاک شود و رشد یابد. ۳

أَوِ يَدْرُكُ فَتُنَفَعُهُ الذِّكْرَى ۴) أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى ۵) فَأَنْتَ لَكَ تَصَدَّى ۶)

یا پند پذیرد، و در نتیجه، این پندپذیری به او سود رساند. ۴ اما کسی که فرومند است، ۵ تو به او روی می‌آوری (تا هدایت‌اش کنی): ۶

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكَى ۷) وَأَمَّا مَنِ جَاءَكَ يُسْعَى ۸) وَهُوَ يَخْشَى ۹) فَأَنْتَ

حال آن‌که اگر پاک نشود و رشد نیابد، ایرادی بر تو وارد نیست. ۷ اما آن کس که شتابان زودت آمد؛ ۸ در حالی که (از خدا) می‌ترسد؛ ۹ تو به او توجه

عَنْهُ تَلَهَى ۱۰) كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۱۱) فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ۱۲) فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ

نداشتی (و به دیگری مشغول بودی). ۱۰ به هیچ وجه (اصرار تو باعث هدایت مردم نمی‌شود)؛ آیات قرآن فقط پند است که هر کس که بخواهد، (می‌تواند) آن

۱۳) مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۱۴) بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۱۵) كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۱۶) قُتِلَ الْإِنْسَانُ

را یاد کند (و از آن پند گیرد)؛ ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ (بایستی) که در صفحه‌هایی گرامی داشته‌شده قرار درج‌شده (مقام و ارزش آن‌ها) بالا برده شده و (از هر باطلی) پاک شده

مَا أَكْفَرَهُ ۱۷) مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۱۸) مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ۱۹)

است؛ ۱۴ (و) در دستان نویسنده‌گانی (از فرشتگان) قرار درج‌شده؛ ۱۵ که گرامی و لیکوکلند؛ ۱۶ برگ بر انسان؛ چقدر کفر پیشه است؛ ۱۷ (کمی فکر کند که خدا) او را

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ۲۰) ثُمَّ أَمَانَهُ فَآقْبِرَهُ ۲۱) ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ۲۲) كَلَّا

از چه چیز آفریده است؛ ۱۸ او را از نطفه‌ای (بی‌ارزش) آفرید. آنگاه (برای زندگی) آماده‌اش کرد؛ ۱۹ سپس (بر خیر و شر) را برایش هموار کرد؛ ۲۰ پس از آن، او

لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ۲۳) فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ۲۴) أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ

را می‌راند و برایش قیر قرار داد؛ ۲۳ آنگاه، هر زمان که بخواهد، او را زنده می‌کند؛ ۲۴ (آیا انسان از پروردگارش اطاعت کرده است؟) به هیچ وجه! هنوز آنچه را که

صَبَّأً ۲۵) ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ۲۶) فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۲۷) وَعَيْنًا وَقَضْبًا ۲۸)

(خدا) به او فرمان داده، به انجام رسانده است؛ ۲۵ بنابراین، انسان باید به غذایش توجه کند؛ ۲۶ (به این‌که) ما آب را به شکلی (بر زمین فرو) ریختیم؛ ۲۷ آن‌گاه،

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ۲۹) وَحَدَائِقَ غُلْبًا ۳۰) وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ۳۱) مَتَاعًا لَّكُمْ

زمین را به گونه‌ای خاص شگفتیم؛ ۲۹ سپس در آن، دانه (های خوراکی، مانند گندم، جو، عدس و ...) رویماندم؛ ۳۰ و درخت انگور و سبزی‌ها؛ ۳۱ و درخت زیتون و

وَلَا نَعْمَ لَكُمْ ۳۲) فَإِذَا جَاءَتِ الصَّبَاحَةُ ۳۳) يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۳۴)

درخت خرما؛ ۳۲ و باغ‌هایی پر از درختان سنبل و تانور؛ ۳۳ (همچنین) میوه‌ها و علوفه؛ ۳۴ و چهارپایان تان را (از آن) بهره‌مند کند؛ ۳۳ پس هنگامی

وَأُمَّهُ وَابْنِهِ ۳۵) وَصَاحِبَتَهُ وَبَنِيهِ ۳۶) لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ

که آن باتک گوش‌خراش فرارسد، همه به فکر نجات خود هستند؛ ۳۳ در آن روز که انسان از برادر خود می‌گریزد؛ ۳۴ (نیز از) مادر و پسر؛ ۳۵ و همسر

يُغْنِيهِ ۳۷) وَوَجْهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرٌ ۳۸) ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۳۹) وَوَجْهٌ

و فرزندانش؛ ۳۶ در آن روز، هر کسی وضعی دارد که او را (فقط) به خود مشغول می‌کند؛ ۳۷ در آن روز، چهره‌هایی درخشان است؛ ۳۸ خوشحال و خندان؛ ۳۹ و

يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۴۰) تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۴۱) أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ ۴۲)

در آن روز، غبار (غم و اندوه) بر چهره‌هایی (نشسته) است؛ ۴۰ و سیاهی، آن‌ها را فرا گرفته است؛ ۴۱ آنان، همان کافران و گنه‌کارانند. ۴۲

۱ تا ۱۰. اخم کرد و رویش را برگرداند! در تاریخ آمده است که روزی مرد ثروتمندی از طایفه بنی‌امیه نزد پیامبر اسلام ﷺ حضور داشت. در این حال، یکی از مسلمانان پاک‌سیرت به نام «ابن ام‌مکتوم» که نابینا بود و از مال دنیا چیز زیادی نداشت، به حضور پیامبر ﷺ رسید. آن مرد ثروتمند با دیدن ابن ام‌مکتوم، اخم‌هایش را در هم و خودش را جمع کرد و چهره‌اش را از او برگرداند. در این هنگام، این آیات نازل شد و زشتی رفتار آن مرد ثروتمند را بیان کرد. حقیقت این است که از نظر دین اسلام، داشتن ثروت، هیچ امتیازی برای کسی ایجاد نمی‌کند، و تنها موجب برتری افراد بر یکدیگر، تقوا و پرهیزکاریست. البته گفتن این مطلب، ساده است؛ اما باور کردن و عمل به آن بسیار دشوار است؛ چراکه معمولاً افراد ثروتمند، به سبب داشتن لباس‌های فاخر، مرگب‌های نرم و راهوار، خانه‌های مجلل و زندگی پر زرق و برق، جایگاه والایی در نظر توده‌ی مردم دارند؛ در حالی که قرآن بارها با این تفکر غلط مبارزه کرده و به پیامبر فرمان داده که با مسلمانان فقیر همراه باشد و به هیچ‌وجه به آنان بی‌توجهی نکند.

از این رو پیامبر اسلام ﷺ همیشه با افراد فقیر و بی‌پول، مهربان بود و با آنان خوش رفتاری می‌کرد. در روایات می‌خوانیم که آن حضرت حتی به دعوت بردگان نیز پاسخ می‌داد و میهمان آنان می‌شد؛ هرچند غذایشان نان جوی بیش نبود. پیشوایان دین، ما را نیز به خوش‌رفتاری و نشست و برخاست با فقیران توصیه کرده‌اند. بر اساس روایات، یکی از نشانه‌های افراد متواضع، نشست و برخاست با فقیران است. در تاریخ می‌خوانیم که امیر مؤمنان علی علیه السلام یکی از فرمانداران خود را به سبب شرکت در یک میهمانی که فقط برای افراد ثروتمند تشکیل شده بود و فقرا در آن حضور نداشتند، توبیخ کرد. در روایتی از همان امام آزاده می‌خوانیم: «هر کس نزد شخص ثروتمندی برود و او را برای ثروتش تواضع و فروتنی کند، دوسوم دینش از بین رفته است.»

سُورَةُ التَّكْوِيْنِ آیاتها ۲۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۱ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۲ وَإِذَا الْجِبَالُ

آن زمان که بساط خورشید جمع و در هم پیچیده شود؛ و آن زمان که ستارهها فرو ریزند و پراکنده شوند؛ و آن زمان که کوهها به حرکت درآمده شوند؛ و

سُيِّرَتْ ۳ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ۴ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۵

آن زمان که (حتی بالزیرترین اموال، مانند) شتران ده ماه آبستی به حال خود رها شوند؛ و حیوانات غیر اهلی، (در یک جا) گرد آورده شوند؛ و

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۶ وَإِذَا النُّفُوسُ رُوِّجَتْ ۷ وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ

هنگامی که دریاها لریز شوند؛ و آنگاه که همه افراد، با هم سان خود در بهشت یا دوزخ (فرین شوند)؛ و آنگاه که از دخترزنده به گور شده، سؤال

سُئِلَتْ ۸ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۹ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۱۰

شود؛ که به کدامین گناه کشته شده است؛ و هنگامی که نامه‌های اعمال گشوده شود؛ و آنگاه که تومار آسمان پیچیده شود؛ و زمانی که دوزخ

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ۱۱ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۱۲ وَإِذَا الْجَنَّةُ

شعلور شود؛ و آنگاه که بهشت، نزدیک آورده شود؛ و آن هنگام، هر کسی خواهد دانست که چه (نوشه‌ای) فراهم کرده است. ۱۳ پس به ستارگان

أُزْلِفَتْ ۱۳ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ۱۴ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ۱۵

که (به مبدأ حرکتشان) باز می‌گردند و پنهان می‌شوند، سوگند می‌خورم؛ همان‌هایی که بصیرت حرکت می‌کنند و (دوچاره) در جای خود قرار می‌گیرند

الْبَجَوارِ الْكُنُوسِ ۱۶ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ۱۷ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۱۸

(و مخفی می‌شوند). ۱۶ و سوگند به شب، آنگاه که (تاریکی‌اش) فرا می‌رسد؛ و ۱۷ و سوگند به صبح، آنگاه که بدمد (و کم‌کم روز روشن فرارسد)؛ ۱۸ که قطعاً

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۱۹ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۲۰ مُطَاعٍ

قرآن، سخن فرستاده‌ای بزرگوار است؛ ۱۹ (فرشته‌ای) نیرومندی که نزد (خداوند) فرمان‌روا، مقام و منزلتی والا دارد؛ ۲۰ (همو) که در آنجا مورد اطاعت

ثُمَّ أَمِينٍ ۲۱ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۲۲ وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ

(همه‌ای فرشتگان) و امین (وحن‌الهی) است. ۲۱ و سوگند به هر آنچه گفته شد؛ که هم‌نشین شما دیوانه نیست. ۲۲ و قطعاً جرئیل را در فضای آشکاری از

۲۳ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۲۴ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ

آسمان دیده است. ۲۳ و نسبت به (بلاغ پیام خدا از عالم) غیب، بخیل نیست (و آن را کامل به مردم می‌رساند). ۲۴ و قرآن، سخن جنّ شروری که از سوی

۲۵ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ۲۶ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۲۷ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ

محققان عالم غیب) سنگ‌باران شده، نیست. ۲۵ بنابراین به کجا می‌روید؟ ۲۶ قرآن فقط یادآوری و پندی برای جهانیان است؛ ۲۷ برای هر یک از شما که

۲۸ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۲۹

بخواهد از کژی و انحراف دور باشد. ۲۸ و (البته) شما نخواهید خواست؛ مگر این که خداوند که مالک و صاحب‌اختیار جهانیان است، بخواهد. ۲۹

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ آیاتها ۱۹

۱ تا ۱۴. سیزده ویژگی قیامت: این آیات از قیامت سخن می‌گویند و با جملات کوتاه و کوبنده‌ی خود، آن رستاخیز عظیم را توصیف می‌کند. این ویژگی‌ها را با هم مرور می‌کنیم: آیه‌ی ۱: «تومار خورشید در هم پیچیده می‌شود» و این ستاره‌ی سوزان، به کره‌ای خاموش و تاریک تبدیل می‌شود. علم امروز نیز ثابت کرده که خورشید آرام آرام به سوی خاموشی حرکت می‌کند. آیه‌ی ۲: «ستارگان فرو می‌ریزند و پراکنده می‌شوند» و از مدار خود خارج شده، متلاشی و در نتیجه تاریک می‌شوند. آیه‌ی ۳: «کوه‌ها به حرکت درمی‌آیند؛ چراکه زلزله‌ای بسیار شدید در سراسر زمین به وجود می‌آید و کوه‌ها را از جا کنده، به حرکت در می‌آورد. به فرموده‌ی آیه‌ی ۶ سوره‌ی واقعه، آن‌ها در پی کوبیده شدن به زمین، ذره ذره شده، در هوا معلق می‌شوند. آیه‌ی ۴: «[حتی با ارزش‌ترین اموال مانند] شتران ده ماه آبستن، به حال خود رها می‌شوند؛ چه این‌که در زمان نزول قرآن، شتر ماده‌ای که ده ماه از بارداری‌اش می‌گذشت و در آستانه‌ی به دنیا آوردن بچه‌اش بود، یکی از با ارزش‌ترین کالاها به شمار می‌آمد.

در این آیات می‌خوانیم که در آستانه‌ی قیامت، مردم از شدت ترس و وحشت، با ارزش‌ترین اموال خود را رها می‌کنند. آیه‌ی ۵: «[انواع حیوانات وحشی [در کنار هم] جمع می‌شوند؛ زیرا ترس عجیبی همه جا را فرا می‌گیرد؛ چنان‌که دیگر هیچ درنده‌ای به فکر دریدن حیوان دیگری نخواهد بود. آیه‌ی ۶: «دریاها پُر و لبریز می‌شوند؛ شاید چون سنگ‌های آسمانی و کوه‌ها در آب دریاها می‌افتند و باعث بالا آمدن بی‌سابقه‌ی آن‌ها می‌شود. آیه‌ی ۷: «همه‌ی افراد [با هم‌سان خود در بهشت یا دوزخ] هم‌نشین می‌شوند؛ بهشتیان در کنار همسران پاک بهشتی، و دوزخیان در کنار شیاطین و افراد شیطان‌صفت. آیات ۸ و ۹: «از دختران زنده به‌گور شده سؤال می‌شود که به کدامین گناه کشته شده‌اند؟» آری، در آن زمان، پدران بی‌رحم و سنگ‌دلی که دختران پاک و معصوم خویش را تنها به جرم دختر بودن، زنده به گور می‌کردند، بازداشت می‌شوند و آن دختران مظلوم را هم به دادگاه قیامت فرا می‌خوانند و از آنان در مورد علت کشته شدنشان سؤال می‌شود. آیا آن پدران قاتل، جز شرمساری و سرافکنندگی، دفاعی از رفتار ابلهانه‌ی خود دارند؟ آیه‌ی ۱۰: «نامه‌ی اعمال گشوده می‌شود» و همگان در کمال تعجب، تک‌تک کارهایی را که صدها یا هزاران سال قبل در دنیا انجام داده‌اند، مشاهده خواهند کرد؛ چنان‌که گویی در همان لحظه آن‌ها را انجام داده‌اند. آیه‌ی ۱۱: «تومار آسمان پیچیده می‌شود» و نظام کیهانی فعلی به طور کامل دگرگون می‌شود. به فرموده‌ی آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام آسمان‌ها به آسمان دیگری تبدیل می‌شوند. آیه‌ی ۱۲: «دوزخ شعله‌ور می‌شود» و برای پذیرایی از دشمنان خدا آماده می‌شود. آیه‌ی ۱۳: «بهشت [با کمال احترام برای پذیرایی از ساکنان خود، یعنی پرهیزکاران، به آنان] نزدیک می‌شود» و با درهای باز، به آنان خوش‌آمد می‌گوید. آیه‌ی ۱۴: «[در آن زمان، هر کس خواهد دانست که چه [توشه‌ای] حاضر کرده است.» آری، این بدترین یا بهترین لحظه برای انسان‌ها در قیامت است. همگان به‌روشنی می‌بینند که برای زندگی ابدی خود، چه خانه و وسایلی فراهم کرده‌اند؛ خانه‌ای در بهشت با تمام امکانات رفاهی، یا خانه‌ای در دوزخ با انواع عذاب‌ها و رنج‌ها.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۱ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَشَرَتْ ۲ وَإِذَا الْبِحَارُ

آنگاه که آسمان شکافته شود؛ ۱ و آنگاه که ستارگان (از مدار خود خارج شده، به هر سو) پراکنده شوند؛ ۲ و آنگاه که (موانع میان) دریاها (برداشته شود و آن‌ها)

فُجِّرَتْ ۳ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعِثِرَتْ ۴ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ

به حرکت درآیند (و به هم بیوندند، همه، یک دریا شوند)؛ ۳ و هنگامی که گورها زیر و رو شوند (تا مردگان از آن‌ها بیرون آیند)؛ ۴ (در آن زمان، هر کس

وَأَخَّرَتْ ۵ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۶ الَّذِي

خواهد دانست که چه چیزی را پیشتر (در زمان حیاتش در دنیا برای آخرتش) فرستاده، و چه چیزی را بعداً (به وسیله‌ی آنچه از خود به جای گذاشته، برای خود)

خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ۷ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ ۸

فرستاده است. ۵ ای انسان، چه چیز تو را فریفته و نسبت به (لطف و کرم) پروردگار بزرگوارت گستاخ کرده است؟ ۶ و تو را آفرید؛ بدین صورت که تو را

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ ۹ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۱۰ كِرَامًا

کامل و بی‌نقص و راست (قامت) قرار داد؛ ۷ (و) تو را به هر شکل و شمایل که می‌خواست، در آورد. ۸ به هیچ وجه (چنین گستاخی‌ای روا نیست)، علاوه بر این،

كُتِّبِينَ ۱۱ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ۱۲ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۱۳ وَإِنَّ

شما پادشاه و کافر (قيامت) را انکار می‌کنید؛ در حالی که بی‌شک محافظانی بر شما گماشته شده‌اند؛ ۱۰ (فرشتگانی) که بزرگویند و (اعمال‌تان) را

الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ۱۴ يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ ۱۵ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ

می‌نویسند؛ ۱۱ (و) از گزاهایتان آگاه‌اند. ۱۲ قطعاً نیکوکاران در نعمتی فراوان به سر می‌برند. ۱۳ و بی‌گمان گناه‌کاران در آتشی بزرگ هستند. ۱۴ روز قيامت، در آن

۱۶ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ۱۷ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ

وولد می‌شوند و خواهند سوخت. ۱۵ (و) از آن خارج نخواهند شد. ۱۶ و چه می‌دانی که روز جزا چیست؟ ۱۷ و چه می‌دانی که روز جزا چیست؟ ۱۸ (و) از آن عداست. ۱۹

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا ۱۸ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ۱۹

چیزی نیست؛ ۱۸ (و) از آن عداست. ۱۹ (و) از آن عداست. ۱۹

آیاتها ۳۶ سُورَةُ الْمُطَفِّفِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۱ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۲

وای بر کم‌فروشان؛ ۱ هم‌آنان که وقتی (کالایی را) با پیمانه از مردم می‌خرند، تمام و کمال می‌گیرند؛ ۲ (ولی) زمانی

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۳ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ

که (برای فروش، کالایی را) برای مردم پیمانه یا وزن می‌کنند، کم می‌گذارند. ۳ آیا آن‌ها احتمال نمی‌دهند که (پس از مرگ،)

مَبْعُوثُونَ ۴ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ۵ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۶

در روزی بزرگ زنده خواهند شد؛ ۴ و ۵ روزی که مردم برای (قضات و محاسبه‌ی) پروردگار جهانیان به پا می‌خیزند. ۶

۱۰ تا ۱۲. نویسندگان گرامی: قرآن کریم در چندین آیه بیان فرموده که خداوند، فرشتگانی را برای ثبت و ضبط اعمال انسان‌ها گمارده است. آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی قاف می‌فرماید: زمانی را یاد کن که دو فرشته‌ی ثبت اعمال، در راست و چپ انسان نشستند و او را از جانوران زمین و آفات بسیاری که از آن خبر ندارد، حفظ می‌کنند. همچنین از این آیات فهمیده می‌شود که این فرشتگان، از کوچک‌ترین اعمال انسان‌ها خبر دارند و هیچ‌کاری از آن‌ها پوشیده نیست. امیر مؤمنان علی علیه السلام در باره‌ی آنان فرموده است که حتی حساب شمار نفس‌های ما را نگه می‌دارند. نکته‌ی دیگری که از این آیات استفاده می‌شود، این است که این فرشتگان، بسیار بزرگوار هستند؛ یعنی هنگامی که انسان کار خوبی انجام می‌دهد، فوری آن را ده برابر می‌نویسند؛ ولی اگر مرتکب کار بدی شود، به او هفت ساعت مهلت می‌دهند تا شاید از رفتار خود پشیمان شود و توبه کند؛ ولی اگر توبه نکند، با ناراحتی آن را ثبت می‌کنند.

همچنین بر اساس روایات، آنان مأمور هستند که در زمان بیماری انسان مؤمن، از کوتاهی‌های او در عبادت چشم‌پوشی کنند و همان کارها و عبادت‌هایی را که در زمان سلامت‌اش انجام می‌داده، برایش بنویسند. از روایات استفاده می‌شود که آن فرشتگان گرامی و بزرگوار، در هنگام صحبت خصوصی دو انسان مؤمن، و نیز در هنگام خلوت زن و شوهر، به احترام آن‌ها از ایشان فاصله می‌گیرند و آنان را با خدای دانا تنها می‌گذارند. به فرموده‌ی روایات، فرشتگان اعمال، از نیت انسان برای انجام کار خوب یا بد هم آگاه می‌شوند؛ بدین‌صورت که در هنگام تصمیم انسان به انجام کار خوب، بوی خوبی را می‌شنوند، و در هنگام تصمیم او به انجام کار بد، بوی بدی را حس می‌کنند. این نشان می‌دهد که نیت کار خوب یا بد نیز در روح و جان انسان اثر خاصی می‌گذارد که ملکوتیان از آن خبردار می‌شوند. به هر حال، از روایات چنین فهمیده می‌شود که فرشتگان ثبت اعمال، در هنگام مرگ انسان سراغ او می‌آیند؛ چنانچه او از افراد نیکوکار باشد و پیوسته کارهای خوبی را برای ثبت به آن‌ها رسانده باشد، برایش دعا می‌کنند و نزد خدا برایش شفاعت می‌کنند، و اگر فرد بدکرداری باشد و کارهای ناشایستی را به آنان رسانده باشد، نفرینش می‌کنند و در پیشگاه خدا بر ضد او گواهی می‌دهند. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «دو فرشته‌ای که برای ثبت اعمال علی بن ابی‌طالب علیه السلام بر او گمارده شده‌اند، به سبب همراهی‌شان با علی علیه السلام به تمام فرشتگان فخر می‌فروشند؛ زیرا هیچ عملی را برای خدا بالا نبردند که او را به خشم آورد.»

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿٧﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ ﴿٨﴾

به هیچ وجه (چنین پندار و رفتاری صحیح نیست)؛ به راستی نامه‌ی اعمال (و کفر) گنه‌کاران، در سياه‌چالی تنگ و همیشه‌ست. ۷. تو چه می‌دانی

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٩﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَكْذِبُونَ يَوْمَ

که (آن) سياه‌چال تنگ و همیشه چیست؟ ۹. سرنوشتی قطعی (برای آنان) است. ۹. در آن روز، وای به حال منکران! ۱۰. هم آنان که روز جزا را انکار

الَّذِينَ ﴿١١﴾ وَمَا يُكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا

می‌کنند. ۱۱. فقط افراد متجاوز و گنه‌کار، آن را انکار می‌کنند. ۱۲. (کسی) که وقتی آیات ما بر او خوانده می‌شود، می‌گوید: «این‌ها، سخنان بیهوده و

قَالَ أَصَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾

خرافات. پیشینیان است. ۱۳. «آیات ما خرافه نیست، بلکه حقیقت این است که» دست‌پاچه (آلوده)ی آنان، همچون زنگار، دل‌هایشان را

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾

سياه کرده است. ۱۴. به هیچ وجه (چنین نیست که آنان می‌پندارند)؛ ایشان در آن روز از (لطف و رحمت) پروردگشان محروم خواهند ماند. ۱۵. و

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْإِبْرَارِ لَفِي

آنگاه بی‌شک به دوزخ وارد می‌شوند و خواهند سوخت. ۱۶. سپس (به آنان) گفته می‌شود: «این، همان چیزی است که همواره انکارش می‌کردید.» ۱۷. به

عَلِيِّينَ ﴿١٨﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ ﴿١٩﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ

هیچ وجه (چنین نیست که شما می‌پندارید). به راستی نامه‌ی اعمال (و پاداش) نیکوکاران، در بلندترین بلندی‌ها (و مقام قرب الهی) است. ۱۸. تو چه

الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ الْإِبْرَارِ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾ عَلَى الْأَرْثِكِ يَنْظُرُونَ

می‌دانی که بلندترین بلندی‌ها چیست؟ ۱۹. سرنوشتی حتمی (برای آنان) است. ۲۰. که مهربان (درگاه الهی) آنجا حضور دارند. ۲۱. بی‌گمان نیکوکاران در

﴿٢٣﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ

نعمتی فراوان به سر می‌زنند. ۲۳. درون حجله‌ها، بر تخت‌ها (می‌نشینند و) نظاره می‌کنند. ۲۴. در چهره‌هایشان، طراوت و شادابی نعمت را

مَخْتُومٍ ﴿٢٥﴾ خِتْمُهُ مِسْكٌَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ ﴿٢٦﴾

در می‌یابند. ۲۵. آنان، شرابی ناب و خالص که (برای ناب ماندنش) مهر و موم شده، داده می‌شود. ۲۶. (خرم‌هی) آن (شراب)، با مشک و عنبر مهر و موم

وَمِنْ أَجْهِهِ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾ إِنَّ

شده است، و کسانی که می‌خواهند (در چیزی) از هم سبقت بگیرند، باید تنها برای چنین چیزی از هم پیش بيفتند. ۲۷. چاشنی آن، (از چشمه‌ای است

الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾ وَإِذَا مَرُّوا

که) از مکانی مرتفع (در بهشت) جاری می‌شود. ۲۸. همان چشمه که مهربان (درگاه الهی) از آن می‌نوشند. ۲۹. (در دنیا)، گنه‌کاران همواره به مؤمنان

بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾

می‌خندیدند. ۳۰. زمانی که از کنار آنان می‌گذشتند، (برای استهزای آنان)، با چشم و ابرو به یکدیگر اشاره می‌کردند. ۳۱. هنگامی که نزد خانواده‌شان

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ

بلامی‌گفتند، در حالی بلامی‌گفتند که (از رفتار زشت خود) سرمست و مغرور بودند. ۳۲. و هنگامی که مؤمنان را می‌دیدند، می‌گفتند: «قطعا اینان

حَافِظِينَ ﴿٣٣﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾

گمراه‌اند. ۳۳. حال آن‌که مستول و مراقب (اعمال و رفتاری) آنان فرستاده نشده بودند. ۳۴. بنابراین، امروز مؤمنان به کافران می‌خندند. ۳۴.

کَلَّا إِنَّ
نعمت دوگانه
مشک، کوزه
بلون تنفس
بندگ صورت
می‌گیرد.

۱۴. زنگار دل: شاید تا به حال طلا و گوهری را دیده باشید که با گذشت زمان و استفاده‌ی زیاد، زنگار گرفته و کدر شده است. در این حالت، طلا و گوهر، جلا و درخشش خود را از دست می‌دهد و مانند فلزی بی‌ارزش می‌شود که باید برای بازگرداندن درخشش اولیه‌اش، برای «پرداخت»، به زرگری برده شود. در وجود ما انسان‌ها نیز گوهر بسیار قیمتی و باارزشی نهفته شده که نمی‌توان آن را قیمت‌گذاری کرد. این گوهر ارزشمند، «دل و جان» ماست؛ موهبتی الهی که ما را از دیگر موجودات جدا کرده و خداوند آن را چنان گرامی داشته که در بیان پیشوایان معصوم ما، قلب انسان را حرم خود نامیده است. این گوهر ارزشمند اما به سببی زنگار می‌گیرد و ارزش خود را از دست می‌دهد. آن سبب شوم، «گناه و نافرمانی خدا» است. آری، به فرموده‌ی این آیه، گناه، همچون زنگاری بر صفحه‌ی دل می‌نشیند و درخشش و نورانیت آن را از بین می‌برد.

در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز می‌خوانیم که گناه، همچون نقطه‌ی سیاهی بر صفحه‌ی سپید دل می‌نشیند، و در صورت اضافه شدن، کم‌کم تمام صفحه‌ی دل را تاریک و سیاه می‌کند. در این حالت، قدرت تشخیص خوبی و بدی در وجود انسان از بین می‌رود و انسان با کمال بی‌شرمی به گناه و نافرمانی خدا رو می‌کند و حتی خودش را صاحب حق نیز می‌شمرد! در این هنگام، بزرگ‌ترین نعمت خدا به انسان، به دست خود او از کار می‌افتد و توانایی ارتباط با خدا، پذیرش لطف و عنایت او و درک حقایق والای جهان هستی از دست می‌رود، و چنین کسی در روز قیامت از لطف و عنایت خدا محروم خواهد ماند (كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ). البته زنگار گوهر جان نیز مانند زنگار جواهر مادی، پرداخت شدنی‌ست. پیشوایان دانشمند و معصوم ما، توصیه‌های مهم و ارزشمندی برای پرداخت قلب کرده‌اند. بر اساس روایات، زنگار دل به وسیله‌ی این کارها برطرف می‌شود: ۱- توبه: در روایتی از امام باقر علیه‌السلام آمده که لکه‌های سیاهی که با گناه بر صفحه‌ی قلب می‌نشینند، با توبه پاک می‌شود. ۲- یاد خدا و تلاوت قرآن: در حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم: «این دل‌ها زنگار می‌گیرد؛ همان‌طور که آهن زنگار می‌گیرد.» به ایشان عرض کردند: «جلای آن چگونه است؟» فرمود: «یاد خدا و تلاوت قرآن.» ۳- شنیدن روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام: امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «حدیث ما، دل‌ها را زنده می‌کند.» ۴- یادآوری و توجه به نعمت‌های بی‌شمار خدا: امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «دل زنگار می‌گیرد؛ پس هنگامی که نعمت‌های خدا را به آن یادآوری کنی، از زنگار پاک می‌شود.» ۵- یاد مرگ: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «این دل‌ها زنگار می‌گیرد؛ همان‌طور که آهن زنگار می‌گیرد.» به ایشان عرض کردند: «جلای آن با چیست؟» فرمود: «قرائت قرآن و یاد مرگ.»

عَلَىٰ الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٣٥﴾ هَلْ تُؤِوبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

در حالی که درون حجله‌ها، بر تخت‌ها (می‌نشینند و) نظاره می‌کنند: ۳۵؛ که آیا کافران با کارهایشان کبیر داده شدند (یا نه): ۳۶

آیاتها
سُورَةُ الْاِنْشِقَاقِ
۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ

آنگاه که آسمان شکافته شود، ۱؛ و به (فرمان) مالک و صاحب‌اختیارش گوش سپرد، و (البته) شایسته‌ی (چنین کرنشی در برابر مالک خویش) است: ۲؛ و

﴿٣﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا

آنگاه که زمین هموار و گسترده شود: ۳؛ و آنچه را که در درونش (دخف شده) است، بیرون افکند و کاملاً (از مردگان) تهی شود: ۴؛ و به (فرمان) مالک و

الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿٦﴾ فَمَا مَن أُوْتِيَ

صاحب‌اختیار خود گوش سپرد، و (البته) شایسته‌ی (چنین کرنشی در برابر مالک خویش) است. ۵؛ ای انسان، تو راه رسیدن به مالک و صاحب‌اختیارت

كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾ وَيَنْقَلِبُ

را بلاش و زحمت فراوان، طی می‌کند، و پس از آن، با او روبرو خواهی شد. ۶؛ اما کسی که نامه‌ی عملش به دست راستش داده شود، ۷؛ به آسانی

إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَن أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ

محاسبه خواهد شد، و با خوشحالی نزد خانواده‌اش برمی‌گردد. ۸؛ اما کسی که نامه‌ی عملش از پشت سر به او داده شود، ۹؛ به زودی مرگ خویش را

يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصِلُ سَعِيرًا ﴿١٢﴾ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾

خواهد خواست: ۱۱؛ و در آتش شعله‌ور و زود می‌شود و خواهد سوخت: ۱۲؛ او (در دنیا) در میان خانواده‌ی خود، (به سبب مال و مقامش) سرخوش بود: ۱۳

إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّنْ يَحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهٖ بَصِيرًا ﴿١٥﴾

(از این رو که) مطمئن بود (به سوی خدا) باز نخواهد گشت: ۱۴؛ چنین نیست؛ بلکه پروردگارش همواره به او بینا بود (و حتماً به حسابش خواهد رسید): ۱۵

فَلَا أُقْسِمُ بِالسَّفَاقِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ

(اکنون که چنین است) به سرخی آسمان پس از غروب آفتاب سوگند می‌خورم: ۱۶؛ و سوگند به شب و آنچه (که شب) جمع می‌کند: ۱۷؛ و سوگند به ماه،

﴿١٨﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿١٩﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا

آنگاه که (در شب چهارده) کامل می‌شود: ۱۸؛ (سوگند به این‌ها) که قطعاً مراحل و حالاتی را یکی پس از دیگری طی خواهید کرد: ۱۹؛ پس اینان را چه شده

قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ

که ایمان نمی‌آورند: ۲۰؛ و زمانی که قرآن بر آنان خوانده می‌شود، سجده نمی‌کنند: ۲۱؛ بلکه کافران انکار می‌کنند.

﴿٢٢﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوْعَوْنَ ﴿٢٣﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابِ الْيَمِّ ﴿٢٤﴾

۲۲؛ و خدا از آنچه در دل پنهان می‌کنند، آگاه‌تر است. ۲۳؛ بنابراین، آنان را به عذاب دردناک بشارت ده: ۲۴

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

البته کسانی که ایمان آورند و کارهای شایسته کردند، پاداشی بی‌پایان خواهند داشت. ۲۵

۲۵

۶. سفری پرنج برای ملاقات با پروردگار: معمولاً سفرهای طولانی با خستگی و رنج همراه است؛ به‌ویژه افرادی که در گذشته و با وسایل ابتدایی آن زمان مسافرت می‌کردند، این سختی را کاملاً حس می‌کردند. از گذشته تاکنون اما انسان‌ها برای رسیدن به مال و ثروت یا مقاصد مهم دیگر، سختی سفرهای طولانی را به جان می‌خریدند و مشکلات راه را تحمل می‌کردند و می‌کنند. تک‌تک ما انسان‌ها، هم‌اکنون مسافرانی هستیم که در مسیری طولانی قرار گرفته‌ایم. نگاهی به زندگی انسان، به‌روشنی گویای این حقیقت است؛ مسافرتی که از عالم جنینی و تولد آغاز می‌شود و با گذر از دوران کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی، کهن‌سالی، مرگ و سیر و سفر در عالم برزخ، به آخرین منزلگاه در قیامت می‌رسد. این مسافرت طولانی، با دردها و رنج‌های گوناگونی همراه است؛ اما مقصدش چنان ارزشمند است که توجه به آن، سختی‌های راه را آسان می‌کند و دردها و رنج‌هایش را شیرین می‌نماید. هدف از این سفر، «لقاءالله» است؛ روبه‌رو شدن و دیدار با آفریدگار جهانیان و پروردگار مهربانان. البته این دیدار، دیداری مادی نیست؛ چراکه خدا جسم نیست و نمی‌توان او را با چشم دید؛ بلکه دیداری معنویست که با دل و جان پاک و خالی از هر گونه شرک و گناه، امکان می‌پذیرد؛ ملاقاتی باشکوه و وصف‌ناشدنی که در بهشت جاودان با دریافت لطف و رحمت بی‌کران خدا صورت می‌پذیرد. آری، انسان‌ها در زمین پدید آمده‌اند و با انواع رنج‌ها و سختی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند؛ ولی این زمین پرنج، مقصد زندگی آن‌ها نیست؛ بلکه راهیست که برای رسیدن به لطف و عنایت الهی باید از آن عبور کنند، و البته هیچ راهی جز آن وجود ندارد. توصیه‌های بی‌شمار قرآن و معصومین علیهم‌السلام در مورد بی‌توجهی به زرق و برق و تجملات دنیا و لزوم توجه به آخرت و پادشاه‌های بی‌نظیر آن، همگی برای توجه دادن ما به همین حقیقت است؛ به این‌که راه سفر را به جای مقصد اشتباه نگیریم و اسباب سفر را هدف زندگی حساب نکنیم؛ به این‌که رنج‌های دنیا را جاودان نشماریم و آن‌ها را با صبر و استقامت پشت سر گذاریم و سربلند و روسپید در پیشگاه پروردگاران حاضر شویم. امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در باره‌ی دنیا فرموده است: «در آن آزموده می‌شوید و برای غیر آن آفریده شده‌اید.» همان امام آزاده فرموده است: «جان‌های شما، قیمتی جز بهشت ندارد؛ آن را به چیز دیگری جز آن نفروشید.» در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «برای انسان باایمان هیچ راحت و آسایش حقیقی وجود ندارد مگر در هنگام ملاقات با خدا.» از این رو پیشوایان ما به ما آموخته‌اند که در میان درخواست‌های خود از خدا بخواهیم که «ما را مشتاق لحظه‌ای فرماید که با او روبه‌رو خواهیم شد» تا سختی‌های زندگی در نظمان کوچک شود و هدف بلند زندگی برایمان اهمیت یابد. یادآوری این نکته لازم است که منظور از «ملاقات با خدا»، ملاقات باطنیست که با چشم دل انجام می‌شود؛ نه ملاقات ظاهری که با چشم سر صورت می‌پذیرد. امام علی علیه‌السلام فرموده است: «چشم‌ها، خدا را با دیدن درک نمی‌کنند؛ بلکه دل‌ها با داشتن ایمان حقیقی می‌توانند او را درک کنند.»

سُورَةُ الْبُرُوجِ آیاتها ۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۱ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۲ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ

سوگند به آسمان که برج‌هایی (برای محافظت از شیاطین) دارد؛ ۱ و سوگند به روز موعود؛ ۲ و سوگند به آن که حاضر و ناظر است (یعنی پیامبر (ص)) و آن زمان

۳ قَتَلَ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ ۴ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ ۵ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا

که (مردم) در آن حاضر می‌شوند (یعنی قیامت). ۳ مرگ بر آنان که در واقعه‌ی (قتل عام مؤمنان در) گودال دست داشتند؛ ۴ (همان که پر از) آتش برافروخته

تَعُودُ ۶ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ۷ وَمَا نَقَمُوا

(بود) در آن زمان که در کنار آن نشسته بودند؛ ۶ و به آنچه بر سر مؤمنان می‌آوردند، گواه بودند. ۷ و تنها از این جهت به مؤمنان خشم

مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۸ الَّذِي لَهُ مَلَكُ

می‌گرفتند و معجزات‌شان می‌کردند که به خدای شکست‌ناپذیر و شایسته‌ی ستایش ایمان داشتند؛ ۸ همو که فرمان‌روایی

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۹ إِنَّ الَّذِينَ

آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست، و خدا بر همه چیز گواه است. ۹ کسانی که مردان و زنان

فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ

با ایمان را در آتش سوزاندند و پس از آن توبه نکردند، (انواع) عذاب‌(های) دوزخ و عذاب آتش

وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ۱۰ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

سوزان را (در پیش) خواهند داشت. ۱۰ کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند،

لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ۱۱ إِنَّ

بهشت‌هایی خواهند داشت که از زیر (درختان) آن، نهرها جاری‌ست. این، همان نجات و پیروزی بزرگ است. ۱۱ مجلات

بَطَشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٍ ۱۲ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِيهِ وَيُعِيدُهُ ۱۳ وَهُوَ الْعَفْوَ

و اِعمالِ خشونت پروردگارت، بسیار سخت است. ۱۲ اوست که (آفرینش را) آغاز می‌کند و (در قیامت دوباره آن را) تکرار می‌کند. ۱۳ اوست که بسیار آمرزنده و

الْوَدُودُ ۱۴ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ۱۵ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ ۱۶ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ

مهربان است. ۱۴ صاحب تخت فرمان‌روایی (عالم) است و با عظمت و بزرگواری می‌باشد. ۱۵ هر آنچه که بخواهد، می‌کند. ۱۶ آیا سرگشت آن لشکریان به تو رسیده

الْجُنُودِ ۱۷ فَرِعُونَ وَثَمُودَ ۱۸ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ۱۹ وَاللَّهُ

است ۱۷ فرعون و ثمود (یکسره) در حال انکارند؛ ۱۸ در حالی که خداوند پشت سر و در تعظیم آنان است و ایشان اطاعتی کامل دارد. ۱۹ (چنین نیست که

مِنْ وُرَائِهِمْ مُحِيطٌ ۲۰ بَلْ هُوَ قَرِآنٌ مَجِيدٌ ۲۱ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ۲۲

انکار کاران حق باشد؛ بلکه آن (حقیقی و الهی) است که بر لوحی محفوظ شده و بسیار با عظمت (است). (ترجمه) است. ۲۱ (و اصل آن) در لوحی محفوظ (قرار دارد). ۲۲

سُورَةُ الطَّارِقِ آیاتها ۱۷

۴ تا ۸ . قتل عام در گودال: این آیات از افراد ستمگری سخن می‌گوید که مردم باایمان و خداپرست را به جرم یکتاپرستی، زنده زنده در گودالی پر از آتش افکندند و در کنار گودال نشستند و سوختن آن‌ها را تماشا کردند! در مورد این‌که این افراد دقیقاً چه کسانی بوده‌اند، سخنان مختلفی گفته شده است؛ ولی معروف‌تر از همه این است که این جنایت بزرگ در سرزمین «یمن» و به دست آخرین پادشاه از سلسله‌ی «جمیر» به نام «ذونواس» انجام شده است. ماجرا از این قرار بوده که پس از بعثت حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ، ذونواس به آیین یهود در آمد و نام خود را «یوسف» گذاشت. قبیله‌ی حمیر نیز از او پیروی کردند. پس از مدتی، به او خبر دادند که در سرزمین «نجران» در شمال یمن، گروهی بر آیین مسیحیت هستند. هم‌کیشان ذونواس او را تشویق کردند که اهل نجران را به پذیرش آیین یهود مجبور کند. او نیز پذیرفت و با لشکریان خود به سوی نجران حرکت کرد. هنگامی که به آنجا رسید، ساکنانش را جمع کرد و به آنان فرمان داد که یهودی شوند؛ ولی آن‌ها از پذیرش آیین یهود خودداری کردند و حتی پس از تهدیدهای او حاضر نشدند دست از آیین حق خود بردارند. ذونواس دستور داد که گودال بسیار عظیمی حفر کرده، آن را پر از هیزم کنند و در آن آتشی بسیار بزرگ بیفروزند؛ سپس فرمان داد گروهی را زنده زنده در آتش افکنند و گروهی را با شمشیر قطعه قطعه کنند. بر اساس برخی از گزارش‌های تاریخی، شمار مقتولین آن فاجعه به بیست هزار نفر رسید! برخی از مؤرخان افزوده‌اند که یکی از مسیحیان نجران توانست از این ماجرا جان سالم به در برد. او با شتاب، خود را به روم و دربار قیصر رساند و جنایت ذونواس را به او گزارش کرد و از او یاری طلبید. البته قیصر روم، به علت دوری سرزمین خود از یمن، خود وارد عمل نشد؛ بلکه به پادشاه حبشه که مسیحی بود و یکی از متعهدان او به شمار می‌رفت، نامه‌ای نوشت و ضمن توضیح ماجرا، از او خواست که انتقام کشته‌شدگان نجران را از ذونواس بگیرد. پادشاه حبشه نیز با اطلاع از این ماجرا، به یمن لشکرکشی کرد و در پیکاری سخت، سپاه ذونواس را شکست داد و گروه زیادی از آنان را کشت. او یمن را به تصرف خود در آورد و آن را یکی از ایالات حبشه معرفی کرد. بدین ترتیب، ذونواس کافر و قاتل و سپاهیان جنایت‌کار او ابتدا در دنیا توسط بندگان خدا مجازات شدند، و پس از آن، در جهان برزخ به آتش شعله‌ور دوزخ افکنده شدند. آیات مربوط به اصحاب اخدود، زمانی بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد که افراد تازه‌مسلمان، زیر آزار و اذیت و شکنجه‌ی شدید مشرکان مکه بودند. خداوند با فرو فرستادن این آیات، به آن کافران سنگ‌دل هشدار داد که در صورت توبه نکردن، به‌زودی دچار سرنوشتی مانند سرنوشت ذونواس و پیروان حمیری او خواهند شد. از سوی دیگر، به مسلمانان اعلام کرد که برای پاسداری از دین خدا و یکتاپرستی باید استقامت کنند و در برابر آزار و شکنجه‌های کافران، خود را نبازند. پایداری‌های بی‌نظیر برخی از مسلمانان نیز برای همیشه در تاریخ ثبت شده است. مقاومت یاسر و سمیه - پدر و مادر عمار یاسر-، نمونه‌ای بسیار روشن از این پایداری‌ست. پس از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز دین اسلام، تنها با پایداری مسلمانان حقیقی باقی ماند که نمونه‌ی بسیار روشن آن، پایداری و مقاومت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و اصحاب باوفایش در کربلاست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ۱ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ۲ أَلَتَجْمُ الثَّاقِبُ ۳

سوگند به آسمان و آنچه که شب هنگام (در فضای آسمان) می آید و نمایان می شود، ۱ و تو چه می دانی آنچه که شب هنگام می آید و نمایان می شود، چیست؟ ستاره درخشان است، ۳ (سوگند که) هیچ کس نیست، مگر این که نگهبانی بر او گذرده شده است، ۲ پس انسان باید بتو که از چه چیزی آفریده شده است، ۵ (سوگند که) هرگز از آبی جهنده آفریده شده

مَاءٍ دَافِقٍ ۶ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ۷ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ

است، ۶ که از بین استخوان های پشت و سینه خارج می شود، ۷ (که انسان را از چنین چیزی پستی آفریده) پیش می تواند او را (پس از مرگ، به حیات) بلاگرداند، ۷ روزی

۸ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ۹ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ۱۰ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ

که لبراز مخفی (تسکین ها) آشکار و بررسی می شود، ۹ نگاه هیچ توان و یاری نخواهد داشت، ۱۰ سوگند به آسمان که (در دل خود) بران داد ۱۱ و سوگند به زمین که (با بارش

۱۱ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ۱۲ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ۱۳ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ۱۴

دانه ها) شکاف می خورد و گیاه دارد، ۱۲ که این (قرآن)، سخنی ست که (حق را از باطل) جدا می کند، ۱۳ و شوخی نیست، ۱۴ بی شک آنان برای ضربه زدن (به دین خدا)، تیرگی

۱۵ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ۱۶ وَأَكِيدُ كَيْدًا ۱۷ فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْمُ لَهُمْ رُؤُودًا ۱۷

به کار بستند، ۱۵ قطعاً (من نیز) برای نابودی شان، طرحی می ریزم، ۱۶ پس در مورد (عذاب) کافران عجله نکن، (آری) اندکی صبر کن و در مورد (عذاب) آنان شتاب نکن، ۱۷

سُورَةُ الْأَعْجَلِ ۱۹ آیاتها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ۱ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ۲ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

نام مالک و صاحب اختیارات را که برترین است، (از آنچه شایسته او نیست)، پاک شمار، ۱ همو که (موجودات را) آفرید، آنگاه (آنان را) کامل و بی نقص قرار داد، همو که (برای کمال هر

۳ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۴ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ۵ سَتَقِرُّكَ

چیزی) اندوخته ای معین کرد، سپس (او را برای رسیدن به آن مرحله) هدایت کرد، ۳ همو که (از زمین) حلق رویاند، ۴ و پس از زمینی آن را به صوت خاشاکی (که به سبب بارش بران) سیاه

فَلَاتَنْسَى ۶ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ۷ وَنُيَسِّرُكَ

(و متصفا شده)، در آورد، قطعاً (تو را بر خواندن قرآن) توانا می کنیم، در نتیجه، آن را فراموش نخواهی کرد، ۶ مگر آنچه را که خدا بخواهد؛ که او از آنچه آشکار و پنهان است، آگاه

لِلْيُسْرَى ۸ فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى ۹ سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى ۱۰

است، ۸ (در راه اجرای فرمان الهی و رسیدن به رضای او) هواره او را به (پیمودن) آسانترین راه موفقی می کنیم، پس اگر یادآوری فایده ای دارد، یادآوری کن، ۹ قطعاً کسی که (از

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ۱۱ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ۱۲ ثُمَّ لَا يَمُوتُ

خدا) می ترسد، متذکر می شود و پند خواهد گرفت، ۱۱ و بدبخت ترین بردم، از آن دوری می کند، ۱۲ همان که در بزرگترین آتش وارد می شود و می سوزد، ۱۲ آنگاه، نه در آن می میرد

فيها ولا يحيى ۱۳ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ۱۴ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ۱۵

و نه زنده می ماند، ۱۳ قطعاً کسی که پاک شد و رشد یافت و (با قلب و زبان) نام پروردگارش را یاد کرد؛ یعنی نماز خواند، به هدف و مقصود خویش دست یافته است، ۱۴ ۱۵

۱۹

۱۴ و ۱۵ (سوره‌ی اعلیٰ). آنان که به هدف رسیدند: یکی از بزرگ‌ترین پرسش انسان‌ها در هر زمان و مکان این بوده و هست که شخص خوشبخت و سعادتمند کیست و خوشبختی و سعادت در چیست. هر مکتبی با توجه به اصول و پایه‌های فکری خود، پاسخی به این سؤال می‌دهد. برخی، خوشبختی را در ثروت، بعضی در قدرت، گروهی در آرامش و خلصه، و جمعی در داشتن هر نوع امکانات مادی معرفی می‌کنند. قرآن که از سوی آفریدگار انسان‌ها نازل شده، به اندیشه و نگرش آن‌ها به جهان وسعت می‌بخشد؛ برای جهان، آفریدگار و پروردگاری بی‌همتا، بی‌نقص و نامحدود معرفی می‌کند؛ و به انسان یادآوری می‌کند که پس از زندگی کوتاه خود در زمین، زندگی نامحدودی در جهانی نامحدود به نام آخرت خواهد داشت. قرآن با توضیح این دو اصل اساسی به انسان، بارها از «فلاح» سخن می‌گوید و «مُفْلِحان» را معرفی می‌کند. فلاح به معنای پیروزی، رسیدن به هدف، نجات و ماندن در خیر و خوبی‌ست، و مُفْلِح، کسی است که به فلاح رسیده باشد.

آیات مورد بحث، در باره‌ی فلاح و خوشبختی سخن می‌گوید و برای رسیدن به آن، این سه شرط اساسی را برمی‌شمرد: ۱- تزکیه‌ی نفس (تَزَكِيٍّ): نخستین شرط رسیدن به فلاح و خوشبختی، تزکیه‌ی نفس است. تزکیه، به معنای پاک کردن نفس از بدی‌های روحی و اخلاقی‌ست. آری، نخستین شرط برای آراستن یک خانه، پیراستن آن از آلودگی‌هاست، و تا زمانی که در میان خانه، زباله و کثافت وجود داشته باشد، نمی‌توان در آن اشیاء قیمتی و زینتی قرار داد؛ یا تا زمانی که ظرفی را از آلودگی پاک نکنیم، نمی‌توانیم آب زلالی در آن بریزیم و توقع داشته باشیم که شفافیت و زلالی آب حفظ شود. وجود انسان نیز در ابتدا باید از آلودگی شرک، تکبر، حسد، کینه، بخل و... پاک شود تا بتوان در آن صفات و ویژگی‌های خوب و زیبای اخلاقی را بنا کرد. ۲- یاد خدا با دل و زبان (ذَكَرَاسْمَ رَبِّهِمْ): دومین گام برای حرکت به سوی فلاح، توجه به خداست؛ توجهی خالصانه به منبع پاکی و نورانیت در جهان هستی. یاد خدا ابتدا در دل به وجود می‌آید و جان آدمی را به خدا متوجه می‌کند؛ آنگاه این یادآوری در زبان انسان اثر می‌گذارد و آن را به ذکر خدا مشغول می‌کند. بدین ترتیب، فضای دهان آدمی پیوسته با نام مبارک خدا و تسبیح و حمد او معطر می‌شود. در این حال، افکار انسان به یاد خدا نورانی‌ست و گفتار انسان رنگ و بوی خدایی دارد. ۳- نماز (فَصَلِّ): هنگامی که یاد خدا، جان و دل انسان را فراگیرد، او را در پیشگاه پروردگار مهربان و بی‌همتا، به خاکساری و تضرع وا می‌دارد. در این حال، برترین عبادت ممکن، یعنی نماز، آشکار می‌شود. نماز، اوج رشد و کمال یک انسان است؛ عملی که در آن، انسان با تمام وجود، خود را بنده‌ی خدا می‌شناساند و به مالکیت و فرمان‌روایی مطلق او در جهان هستی اعتراف می‌کند و به جهان آخرت توجه می‌کند و به رسالت پیامبر اسلام ﷺ گواهی می‌دهد و با گفتن «الْاِسْلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِاللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ»، در شمار بندگان شایسته‌ی خدا قرار می‌گیرد. اکنون می‌توان فهمید که چرا پیامبر گرامی ما، نور چشم خود را در نماز می‌دانست، و امام رضا (ع) آن را وسیله‌ی نزدیک شدن افراد باتقوا به خدا برمی‌شمرد.

بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۱۶ وَالْآخِرَةَ خَيْرًا وَابْقَى ۱۷ إِنَّ

شما، زندگی دنیا را ترجیح می‌دهید؛ ۱۶ حال آن‌که آخرت بهتر و پایدارتر است. ۱۷ این (حقیقت)

هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۱۸ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ۱۹

در کتاب‌های گذشته (نیز) آمده است؛ ۱۸ یعنی کتاب‌های ابراهیم و موسی. ۱۹

سُورَةُ الْغَاشِيَةِ آياتها ۲۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۱ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۲

آیا خبر آن واقعه‌ی (هولناک) که (سختی‌اش) همه را فرا می‌گیرد، به تو رسیده است؟ ۱ در آن روز، چهره‌هایی زیور و غم‌براند. ۲

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ۳ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ۴ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ عَٰنِيَةٍ ۵

(در دنیا) کار (و تلاش فراوان) کرده (ندارد) ولی در آخرت به هیچ نتیجه‌ای نرسیده) و خسته‌اند. ۳ در آتش بسیار سوزان‌ورد می‌شوند و می‌سوزند. ۴ از چشمه‌ای

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ ۶ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ

بسیار داغ و جوشان به آنان نوبانده می‌شود. هیچ غذایی جز خاری خشک و متعفن و تلخ ندارد. ۶ نه (انسان را) فریبه می‌کند و نه گرسنگی (اش) را برطرف

۷ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ۸ لَسَعِيهَا رَاضِيَةٌ ۹ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۱۰

می‌کند. ۷ (در مقابل)، چهره‌هایی هستند که در آن روز شاد و خوشحال‌اند. ۸ از تلاش خود (در دنیا) خستونند. ۹ در بهشتی برین به سر می‌برند. ۱۰

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِإِغْيَةٍ ۱۱ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۱۲ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ ۱۳

در آنجا هیچ سخن بیهوده و زشتی نمی‌شنوند. ۱۱ در آنجا، چشمه‌ای جاری وجود دارد. ۱۲ در آنجا، تخت‌هایی برافراشته وجود دارد. ۱۳

وَأَكْوَابُ مَوْضُوعَةٌ ۱۴ وَتَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۱۵ وَزُرَّابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ۱۶

و جام‌هایی که (در دسترس ایشان) نهاده شده است. ۱۴ و پستی‌هایی که به ردیف چیده شده است. ۱۵ و فرش‌های نفیسی که پهن شده است. ۱۶

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۱۷ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ

آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟ ۱۷ و به آسمان که چگونه برافراشته

رُفِعَتْ ۱۸ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۱۹ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ

شده است؟ ۱۸ و به کوه‌ها که چگونه برپا داشته شده‌اند؟ ۱۹ و به زمین که چگونه صاف و هموار

سُطِحَتْ ۲۰ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ۲۱ لَسْتَ عَلَيْهِمْ

شده است؟ ۲۰ پس یادآوری کن؛ که تو فقط یادآوری‌کننده هستی؛ ۲۱ و بر آنان مسلط نیستی (تا به ایمان آوردن

بِمُصِيطِرٍ ۲۲ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ۲۳ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ

مجبورشان کنی). ۲۲ البته کسی که پشت کند و کفر ورزد، ۲۳ خداوند، او را با سخت‌ترین کیفر

الْأَكْبَرَ ۲۴ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ۲۵ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ۲۶

عذاب می‌کند. ۲۴ بازگشت آنان، تنها نزد خود ماست. ۲۵ آنگاه محاسبه‌ی (اعمال) آنان، فقط بر عهده‌ی خود ماست. ۲۶

۱۶ و ۱۷ (سوره‌ی اعلیٰ). آخرت؛ بهتر و پایدارتر: واژه‌ی «محدودیت» برای همه‌ی ما آشناست؛ بارها آن را شنیده یا دیده‌ایم و با تمام وجود حس می‌کنیم. محدود بودن محیط منزل، محدود بودن امکانات زندگی، محدود بودن درآمد و پول، محدود بودن عمر و... محدودیت‌هایی‌ست که ما بی‌آن‌که بخواهیم، با آن‌ها روبه‌رو هستیم و گاهی از آن‌ها رنج می‌بریم. واقعیت این است که دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، دنیایی محدود است. از سوی دیگر، علاقه‌ای در وجود ما نهفته است که همچون آتش از درون ما زبانه می‌کشد و روح و جان ما را پیوسته به خود مشغول می‌کند؛ این علاقه‌ی قدرتمند، میل و علاقه به «بی‌نهایت و زندگی نامحدود» است. همه‌ی انسان‌ها، به امکانات نامحدود، محل سکونت بزرگ و زندگی بی‌پایان علاقه‌مند هستند. تلاش بی‌وقفه و شبانه‌روزی مردم برای به دست آوردن این موارد و زنده ماندن بیشتر، نشانگر این واقعیت است. ولی همان‌طور که گفته شد، دنیا با انواع محدودیت‌ها آمیخته شده و زندگی ثروتمندترین و قدرتمندترین افراد نیز با محدودیت‌های فراوان همراه بوده و سرانجام به پایان رسیده است.

از این رو برای هر انسان عاقلی این سؤال پیش می‌آید که «آیا می‌توان به زندگی نامحدود با امکانات فراوان و عمر جاودان دست یافت یا نه؟». این پرسش مهم را بارها و بارها یکصدویست و چهار هزار انسان فرهیخته که از سوی خدای جهان به پیامبری مبعوث شده‌اند، پاسخ داده‌اند. آنان از سوی پروردگار، این نوید را برای مردم آورده‌اند که پس از این زندگی کوتاه و محدود در دنیا، زندگی نامحدود و بی‌پایانی در جهان دیگری به نام آخرت خواهند داشت؛ حیاتی که به فرموده‌ی پیامبر اسلام ﷺ، سال‌هایش وصف‌ناپذیر و روزهایش شمردنی نیست و ساکنانش هرگز نخواهند مرد، و بنا بر گزارش قرآن، هر چه انسان بخواهد، در آن وجود دارد، و هر چه طلب کند، برایش حاضر می‌شود. البته به فرموده‌ی قرآن و روایات، این زندگی نامحدود را برای بشر محدود به اطلاعات دنیایی نمی‌توان به‌خوبی وصف کرد. خداوند در آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی سجده می‌فرماید: «هیچ‌کس نمی‌داند چه چیزهایی که مایه‌ی شادمانی و خوشحالی آنان است، در پاداش اعمالی که انجام می‌دادند، برایشان پنهان شده است.» پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است که قطعه‌ی بسیار کوچکی از زمین بهشت، از دنیا و هر آنچه در آن وجود دارد، بهتر است. آیه‌ی ۱۷ این سوره نیز در جمله‌ای کوتاه و پرمحتوا اما سربسته به همگان اعلام می‌کند که «آخرت بهتر و پایدارتر است». اسف‌انگیز این‌که بسیاری از مردم، این سخنان را جدی نگرفته‌اند و دنیای زودگذر را بر آخرت جاودان ترجیح داده‌اند. هواپرستی، شهوت‌رانی، علاقه‌ی افراطی به ثروت و قدرت و زن و فرزند، بزرگ‌ترین دلایل این اشتباه بزرگ است. این علاقه‌های ناپایدار باعث می‌شود که انسان، آخرت را فراموش کند و در دنیای محدود، دنبال گوهر ناب «جاودانگی» باشد، و برای رسیدن به این هدف، به هر وسیله‌ی نادرستی متوسل شود، و سرانجام، بی‌آن‌که در دنیا به آرزوی خود رسیده باشد، دست خالی به سرای آخرت منتقل شود و در آنجا نیز بهره‌ای نداشته باشد.

امام صادق علیه السلام چه زیبا فرموده است: «مَثَلُ دُنْيَا، مَثَلُ آبٍ دَرِيَا سَتُكْفَى شَخْصٌ تَشْتَهِيهِ هَرَّيْ حَيْثُ كَانَ مِنْهَا شَرْبٌ، وَ مَثَلُ آخِرَتٍ كَمَثَلِ الْبَيْتِ الْبَارِئِ، مَنْ دَخَلَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ يَمُرُّ بِمَنْزِلٍ إِلَّا وَجَدَ فِيهِ مَاءً يَشْرَبُ مِنْهُ، وَ مَنْ دَخَلَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ يَمُرُّ بِمَنْزِلٍ إِلَّا وَجَدَ فِيهِ نَارًا يَسْتَمِدُّ مِنْهَا نَارًا، وَ مَنْ دَخَلَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ يَمُرُّ بِمَنْزِلٍ إِلَّا وَجَدَ فِيهِ خُبْرًا يَتَمَسَّكُ بِهِ، وَ مَنْ دَخَلَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ يَمُرُّ بِمَنْزِلٍ إِلَّا وَجَدَ فِيهِ حَبْلًا يَتَمَسَّكُ بِهِ، وَ مَنْ دَخَلَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ يَمُرُّ بِمَنْزِلٍ إِلَّا وَجَدَ فِيهِ سَبِيلًا يَتَمَسَّكُ بِهِ، وَ مَنْ دَخَلَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ يَمُرُّ بِمَنْزِلٍ إِلَّا وَجَدَ فِيهِ مَاءً يَشْرَبُ مِنْهُ، وَ مَنْ دَخَلَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ يَمُرُّ بِمَنْزِلٍ إِلَّا وَجَدَ فِيهِ نَارًا يَسْتَمِدُّ مِنْهَا نَارًا، وَ مَنْ دَخَلَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ يَمُرُّ بِمَنْزِلٍ إِلَّا وَجَدَ فِيهِ خُبْرًا يَتَمَسَّكُ بِهِ، وَ مَنْ دَخَلَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ يَمُرُّ بِمَنْزِلٍ إِلَّا وَجَدَ فِيهِ حَبْلًا يَتَمَسَّكُ بِهِ، وَ مَنْ دَخَلَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ يَمُرُّ بِمَنْزِلٍ إِلَّا وَجَدَ فِيهِ سَبِيلًا يَتَمَسَّكُ بِهِ.» در روایت دیگری از پیامبر اسلام ﷺ می‌خوانیم که هر کس دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، در روز قیامت، در حالی با خدا روبه‌رو می‌شود که هیچ کار خوبی ندارد که با آن خود را از آتش حفظ کند؛ و هر کس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد و [علاقه‌ی افراطی به] دنیا را رها کند، خدا از او خشنود می‌شود و کارهای بدش را می‌آمرزد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

وَالْفَجْرِ ۱) وَ لَيَالٍ عَشْرٍ ۲) وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ ۳) وَ الْوَيْلِ إِذَا

سوگند به سیده دم؛ ۱) سوگند به شب‌های ده‌گانه؛ ۲) سوگند به زوج و فرد (یعنی هفت... تم و نهم ذی‌الحجه)؛ ۳) سوگند به شب؛ آنگاه که

سِرِّ ۴) هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حَجْرِ ۵) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ

می‌گذرد. آیا در این (سوگندها)، سوگندی که برای انسان خردمند (کافی) باشد، وجود دارد؟ آیا ندیدی که پروردگارت با (قوم) عاد چه

فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۶) إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۷) أَلَّتِي لَمْ يُخْلَقْ

کرد؟ یعنی با (شهر) ارم که ساختمان‌های بلندی داشت؛ ۷) که نظیرش در (سایر) شهرها ساخته نشده بود. و ۸) آیا ندیدی چه کرد با (قوم) ثمود که

مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۸) وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۹)

در (منطقه‌ی) وادی‌القری، صخره‌ها را می‌شکافتند (و خانه می‌ساختند)؛ ۹) و (با) فرعون که (برای شکنجه) میخ‌هایی (بزرگ)

وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۱۰) الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا

داشت؛ ۱۰) هم‌آنان که در شهرها طغیان کردند؛ ۱۱) بدین صورت که در آن‌ها فساد و تباهی فراوانی به بار آوردند. ۱۲) در نتیجه، پروردگارت،

الْفَسَادَ ۱۲) فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۱۳) إِنَّ رَبَّكَ

تازیه‌ای از عذاب (های) گوناگون را بر پی‌درپی بر سرشان فرود آورد. ۱۳) بی‌گمان پروردگارت تو در کمین‌گاه است (و همه را زیر نظر دارد). ۱۴) در

لِيَالْمِرْصَادِ ۱۴) فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ

نتیجه، (به خوبی می‌داند که) انسان (چنین است که) وقتی پروردگارش او را امتحان می‌کند، بدین صورت که (در ظاهر) گرامی‌اش می‌درد و به

فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۱۵) وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ

او نعمت می‌بخشد، می‌گوید: «پروردگرم مرا گرامی داشته است.» ۱۵) و هنگامی که پروردگارش او را می‌آزماید، بدین صورت که روزی‌اش را بر

فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ۱۶) كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ۱۷)

او تنگ می‌کند، می‌گوید: «پروردگرم مرا خوار کرده و به من بی‌اعتنایی نموده است.» ۱۶) به هیچ وجه (چنین اعتقادی صحیح نیست، و از این

وَ لَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ۱۸) وَ تَأْكُلُونَ التَّرَاثَ

بدتر این که) شما یتیم‌نوازی نمی‌کنید؛ ۱۷) و یکدیگر را به غذا دادن به مستمندان تشویق نمی‌کنید؛ ۱۸) و (دیگران) را (همراه سهم خود) یکجا

أَكْلًا لَمَّا ۱۹) وَ يُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۲۰) كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ

می‌خورید؛ ۱۹) و علاقه‌ی بسیار شدیدی به مال و ثروت دارید. ۲۰) به هیچ وجه (چنین نیست که فقر و ثروت، دلیل بی‌توجهی یا توجه خداوند به

دَكًّا دَكًّا ۲۱) وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۲۲) وَ جِيءَ

کسی باشد؛ بلکه) در آن زمان که زمین پی‌درپی کوبیده شود (تا صاف و هموار شود)؛ ۲۱) و (فرمان) پروردگارت فرارسد و فرشتگان صف‌در صف

يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ ۲۳) يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ۲۴)

بیایند؛ ۲۳) و در آن روز، جهنم را به (عرصه‌ی قیامت) بیاورند. در آن روز انسان متوجه می‌شود؛ اما این توجه چه سودی برایش دارد؟ ۲۴)

۱۵ تا ۲۰. شش آزمون دشوار: یکی از آزمون‌های خداوند که تمام انسان‌ها به شکلی با آن سنجیده می‌شوند، آزمایش بندگان با مسائل مالی است. به فرموده‌ی آیه‌ی ۸ سوره‌ی عادیات، انسان‌ها به مال و ثروت بسیار علاقه‌مند هستند. خدا نیز همین علاقه‌ی زیاد را مایه‌ی امتحان بندگان خود قرار داده است تا آنان را بسنجد که در دوراهی عشق به خدا یا ثروت، کدام را انتخاب می‌کنند.

آیات مورد بحث، همین نکته را بیان فرموده، به این شش آزمون که در محدوده‌ی مسائل مالی اتفاق می‌افتد، اشاره می‌کند: ۱- زیاد شدن مال و ثروت: یکی از سخت‌ترین آزمون‌های خدا، ثروت زیاد است؛ زیرا معمولاً در این حالت، انسان خود را در پیشگاه خدا، «خوب» و فردی «لایق» می‌شمارد که لیاقت داشتن مال و ثروت زیاد را داشته است، و فراموش می‌کند که او با این همه مال و ثروت، در حال آزموده شدن است؛ نه گرامی‌داشت خدا! ۲- کم شدن مال و ثروت: ورشکستگی‌ها، مشکلات و از بین رفتن مال و ثروت به اسباب گوناگون نیز از امتحانات دشوار خداست. معمولاً در این حال، یأس و نومیدی شدیدی بر افراد حاکم می‌شود و گمان می‌کنند که مورد خشم خدا قرار گرفته‌اند؛ از این رو از رحمت بی‌پایان الهی نومید شده، لب به ناشکری و سخنان کفرآمیز می‌کشایند و ایمان خود را از دست می‌دهند؛ در حالی که این حالت نیز امتحانی از سوی خداست تا معلوم شود آیا در وجود انسان، گوهر صبر در برابر مشکلات و تسلیم در برابر خواست خدا وجود دارد یا نه؟ در حدیثی از امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم که خدای بزرگ می‌فرماید: «من شخص ثروتمند را برای این ثروتمند نکردم که او را گرامی دارم، و شخص فقیر را فقیر نکردم که او را خوار کنم؛ بلکه برای این بوده که ثروتمندان را با افراد نیازمند امتحان کنم؛ و اگر افراد فقیر وجود نداشتند، ثروتمندان شایستگی ورود به بهشت را پیدا نمی‌کردند.» ۳- بی‌توجهی به یتیمان: قرآن بارها در مورد گرامی‌داشت یتیمان و رعایت حقوق آن‌ها تذکر داده و خوردن مال آنان را با خوردن آتش برابر شمرده است؛ اما در مقابل، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به کسانی که یتیمان را به سرپرستی بگیرند و آنان را گرامی بدارند، وعده داده که در بهشت با آن حضرت هم‌نشین خواهند بود. ۴- بی‌توجهی به گرسنگان مستمند: از نظر اسلام، وظیفه‌ی یک مسلمان، با سیر کردن شکم خود و خانواده‌اش به پایان نمی‌رسد؛ بلکه در نگاه این مکتب انسان‌ساز، تمامی افراد سیر در قبال تمامی افراد گرسنه مسئولیت دارند. پیامبر گرامی ما فرموده است: «به من ایمان نیاورده کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد. خداوند به ساکنان شهری که [آسوده] بخوابند و در میانشان فرد گرسنه‌ای باشد [و آنان با این‌که می‌توانند، به او کمک نکنند]، در قیامت توجه نمی‌کند.» ۵- چپاول میراث دیگران: از نظر اسلام، ارث، قوانین خاصی دارد، و هر کس، سهم مشخصی از آن می‌برد؛ ولی بسیاری از مردم، به سهم خود قانع نیستند و ارث خود و دیگران را یک‌جا می‌خورند؛ به‌خصوص اگر یکی از ارث‌برندگان، کودک صغیر یا فرد بیماری باشد که نتواند از خود دفاع کند. به‌راستی که این، یکی از شرم‌آورترین گناهان است. ۶- علاقه‌ی افراطی به مال و ثروت: علاقه‌ای که چشم انسان را بر حقیقت می‌بندد و در بسیاری از موارد، ایمانش را می‌گیرد و او را به جهنم حرام‌خواری و کلاه‌برداری می‌افکند.

يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾

می گوید: «ای کاش (از دنیا چیزی) برای زندگی (حقیقی) ام فرستاده بودم. ۲۴ در آن روز، هیچ کس همانند عذاب کردن خدا عذاب نمی کند: ۲۵

وَلَا يُوَثِّقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ اِرْجِعِي إِلَىٰ

و هیچ کس هم اندک او در بند نمی کشد. ۲۶ ای جان آرام گرفته، ۲۷ نزد مالک و صاحب اختیار بازگرد: در حالی که (از او)

رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّاتٍ ﴿٣٠﴾

خشنودی و پرگزیده‌ی (او) هستی. ۲۸ پس در میان بندگان (خاص) من وارد شو؛ ۲۹ و به بهشت (ویژه‌ی) من وارد شو. ۳۰

سُورَةُ الْبَلَدِ آیاتها ۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ

به این شهر سوگند می خورم؛ ۱ در حالی که تو ساکن این شهر هستی. ۲ و سوگند به پدری (والامقام) و فرزند (کران قدر) او؛

﴿٢﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ

۳ که بپرستی انسان را در رنج و زحمت آفریدیم. ۴ آیا می پندارد که هرگز کسی بر او سخت

أَحَدٌ ﴿٥﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ﴿٦﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ

نخواهد گرفت؟ ۵ (با غرور و تکبر) می گوید: «من اموال هنگفتی خرج کرده‌ام. ۶ آیا می پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟

﴿٧﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفْتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ

۷ آیا برای او دو چشم قرار ندادیم؟ ۸ و (همچنین) زبان و دو لب؛ ۹ و (آیا) دوره خیر و شر را به او

التَّجْدِينَ ﴿١٠﴾ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾

نشان ندادیم؟ ۱۰ (البته) او آن گردنه‌ی صعب العبور را بلا تلاش و زحمت خویش نیمود. ۱۱ و تو چه می دانی که آن گردنه‌ی صعب العبور چیست؟ ۱۲

فَأَنْ رَقَبَةً ﴿١٣﴾ أَوْ اطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ

آزاد کردن برده است؛ ۱۳ یا غذا دادن در زمان قحط و گرسنگی به یتیمی از خویشاوندان است؛ ۱۴ و

﴿١٥﴾ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا

۱۵ یا بی‌نواایی که به خاک (سیاه) نشسته است. ۱۶ علاوه بر این، (او) از کسانی نبود که ایمان می آورند و یکدیگر را به صبر سفارش

بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾ وَالَّذِينَ

می کنند و یکدیگر را به مهربانی توصیه می نمایند. ۱۷ اینان، اهل یمن و سعادت اند. ۱۸ و آنان که آیات و نشانه‌های ما را انکار

كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾

کردند، اهل شومی و پدیدختی اند؛ ۱۹ (و) آتشی که (از هر سو راه فرارش) بسته شده، آنان را احاطه کرده است. ۲۰

سُورَةُ الشَّمْسِ آیاتها ۱۵

۲۷ تا ۳۰. جان آرام: در درس جغرافی خوانده‌ایم که آب‌های ساکن روی زمین، به دو گروه تقسیم می‌شود: گروه یکم، دریاچه‌ها، سدها و آبگیرها، و گروه دوم، دریاهای آزاد است. گروه یکم با ورود سیلاب به سرعت آلوده می‌شود؛ با کم و زیاد شدن بارندگی، کم و زیاد می‌شود؛ تغییرات جوی به سرعت بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ و به طور کلی ناآرام و پریهاو هستند. گروه دوم اما دریاهای آزاد و اقیانوس‌هاست که به علت وسعت چشم‌نواز و حجم بسیار زیاد، با تغییرات جوی تغییر نمی‌کند، و در صورت ورود آلودگی به آن‌ها، در زمان کمی به حالت اول باز می‌گردد، و به طور کلی آرام و بی‌دغدغه است. روح و جان انسان‌ها نیز مانند آب‌های روی زمین است. برخی، محدود و کوچک است و با کوچک‌ترین تغییر، پر از غوغا و هیاهو می‌شود؛ چنان‌که به فرموده‌ی آیات ۱۵ و ۱۶ همین سوره، اگر نعمت مختصری از سوی خدا به آن‌ها برسد و صاحب ثروت یا قدرتی شوند، خدا و خلق خدا را فراموش می‌کنند و با خودخواهی و غرور فریاد برمی‌آورند که حتماً من لیاقت این‌همه نعمت را داشته‌ام و آن را به سبب فهم و کمالات ویژه‌ام به دست آورده‌ام! اگر هم دچار مشکلی شوند، به سرعت مأیوس و نومید شده، خود را می‌بازند و گمان می‌کنند که به‌کلی از چشم خدا افتاده‌اند و موجوداتی بی‌ارزش و بدبخت هستند! در مقابل این افراد اما انسان‌هایی پرظرفیت با روح‌های وسیع و بزرگ وجود دارند که نه آمدن نعمت‌ها، آنان را از خود بیخود می‌کند، و نه رفتن آن‌ها، ایشان را به یأس و نومیدی می‌کشانند؛ بلکه هر دو حالت را از سوی خدا و امتحانی الهی برمی‌شمرند که به‌زودی به پایان می‌رسد. این افراد - برخلاف افراد گروه یکم - دل و جان خود را به منبع بی‌پایان علم، قدرت، مهربانی، فرزندی و بزرگی در جهان وصل کرده‌اند؛ او را تنها سرپرست زندگی خود در دنیا و آخرت برمی‌شمرند و زیاد و کم شدن روزی را از سوی او می‌دانند.

از این رو جان‌شان همچون اقیانوس پهناوری شده که ناملایمات زندگی در آن حل می‌شود و امور بی‌ارزش دنیا نمی‌تواند آن را به خروش و غوغا وادارد و آرامشی پیوسته بر سراسر وجودشان حاکم است. آنان، صاحبان «نفس مطمئنه» و جان آرام هستند. پیشوایان والامقام ما، نمونه‌های روشنی از نفس مطمئنه هستند؛ بزرگانی که تغییر احوال دنیا، در روح‌های بزرگشان هیچ اثری نمی‌گذاشت و گام‌های استوارشان را از حرکت در جاده‌ی کمال و سعادت نمی‌لغزاند؛ همچون امام حسین علیه السلام که به بیعت با موجود خواری همچون یزید تن نداد و برای محافظت از دین خدا، سخت‌ترین مصایب را تحمل کرد، و هنگامی که چهره‌ی خونین‌اش بر خاک آرمیده بود، با معبودش مناجات می‌کرد و می‌فرمود: «خدایا، در برابر خواست تو صبر می‌کنم.» آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره‌ی معارج چه زیبا در باره‌ی این دو گروه فرموده است: «انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده است؛ هنگامی که بدی‌ای به او می‌رسد، بیتابی می‌کند، و هنگامی که خوبی و خیر به او می‌رسد، آن را به دیگران نمی‌دهد؛ مگر نمازگزاران.» آری، نمازگزاران راستین، در پرتو ارتباط و اتصال دائمی با خدای بی‌کران، بسیار پرظرفیت شده‌اند و به آرامشی عمیق و همیشگی دست یافته‌اند. آن‌ها همیشه به خواست خدا راضی هستند، و خدا نیز از ایشان رضایت دارد و در هنگام ورودشان به عالم برزخ و قیامت، آنان را با ندای دل‌نواز خویش مورد خطاب قرار می‌دهد که «ای جان آرام، نزد پروردگارت بازگرد؛ در حالی که از او راضی هستی و توسط او برگزیده شده‌ای. پس در میان بندگان خاص و ویژه‌ام داخل شو و به بهشت مخصوص خودم پا بگذار.» به‌راستی آیا می‌توان فرجامی بهتر از این تصور کرد؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۱ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ۲ وَالتَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا

سوگند به خورشید و روشنائی آن در آغاز روز؛ و سوگند به ماه، آنگاه که پس از خورشید (به صفحه‌ی آسمان) بیاید؛ و سوگند به روز، آنگاه که زمین را آشکار کند؛ و سوگند به شب،

۳ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ۴ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ۵ وَالْأَرْضِ وَمَا

آنگاه که زمین را فرا گیرد و (با تاریکی خود) بپوشاند؛ و سوگند به آسمان و آن (بروی عظیمی) که آن را بنا کرده است؛ و سوگند به زمین و آن (بروی عظیمی) که آن را گسوده است؛ و

طَحَلَهَا ۶ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۷ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

سوگند به نفس (انسانی) و آن (بروی عظیمی) که آن را کامل و برینقص آفرید؛ و سوگند به آنکه گناه گزاف و پرهیزگریش را به او الهام کرده است؛ و سوگند به همه این‌ها که (به یک کسی که نفس

۸ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۹ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۱۰ كَذَّبَتْ

(خود) را رشد دهد، به هدف و مقصود خویش دست یافته است؛ و هر کس جلوی رشد آن را بگیرد و آن را به مسیر گناه کشاند، ناکام خواهد ماند و به مقصود نخواهد رسید. ۱۰ (قوم)

ثُمُودُ بِطَغْوَاهَا ۱۱ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۱۲ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ

ثمود، از روی طغیان و سرکشی، (پیامبران‌ها را) دروغ گو خردند؛ ۱۱ آن زمان که شقی‌ترین آنان (برای آن جنایت) از جای برخاست و به راه افتاد. ۱۲ آنکه فرستاده‌ی خدا به آنان گفت:

اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۱۳ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدمَمَ

«از (زای) ماده‌شتر خدا و (چلوگری) از سهم آبش بهره‌مند. ۱۳ پس از آن (همه همدان)، او را دروغ گو فرزدند و با بریدن رگ پای ماده‌شتر، آن را کشتند. در نتیجه، مالک و

عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۱۴ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۱۵

صاحب اختیارشان، به سبب گناهشان، پشت سر هم (عذاب را) بر سرشان فرود آورد و آن (شهر) را با خاک یکسان کرد؛ ۱۴ در حالی که از عاقبت این (کار، هیچ) هراسی نداشت. ۱۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۱ وَالتَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ۲ وَمَا خَلَقَ الذَّكْرَ وَالْأُنثَىٰ ۳

سوگند به شب، آنگاه که (با تاریکی‌اش) روز را می‌پوشاند؛ و سوگند به روز، آنگاه که آشکار می‌شود؛ و سوگند به آن (بروی عظیمی) که نر و ماده را آفرید؛ و سوگند به خلق سمن و نواش

۴ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ۵ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۶ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۷

شما متظنون است. اما کسی که انفاق کند و خود را (از خشم خدا) نگاه دارد؛ و بهترین (آیین) را بپذیرد؛ قطعاً (در راه اجرای فرمان خدا و رسیدن به خوشبختی وی) همواره او را به

فَسْتَيْسِرُ لِّلْيُسْرَىٰ ۸ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ۹ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ۱۰

(بیمودن) آسان‌ترین راه موفق می‌کند؛ اما آن کس که بخل ورزد و (از این راه) دنبال ثروت‌اندوزی برود (و خود را از خدا بی‌نیاز شمارد)، و بهترین (آیین) را انکار کند؛ پس شک (در

۱۱ فَسْتَيْسِرُ لِّلْعُسْرَىٰ ۱۲ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ۱۳ إِنَّ عَلَيْنَا

راه کسب‌رهای الهی)، او را به (بیمودن) سخت‌ترین راه سوق می‌دهیم (و توفیق خویش را از او سلب می‌کنیم). ۱۰ و هنگامی که (در آتش دوزخ) سقوط می‌کند، ثروتش، سودی به

لَّلهُدَىٰ ۱۴ وَإِن لَّنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ۱۵ فَانذَرْتُمْ نَارًا تَلظَىٰ ۱۶

حال او نخواهد داشت. ۱۱ هدایت، تنها بر مهدی ماست. ۱۲ و آخرت و دنیا (این) تنها از آن ماست. ۱۳ بنا بر این، من (از سوی خدا) شما را از آتشی که زبانه می‌کشد، هشدار دادم؛ ۱۴

۱ تا ۱۰ (سوره‌ی شمس). بیشترین سوگند برای بیان مهم‌ترین حقیقت: یکی از ویژگی‌های قرآن، سوگندهای آن است. خداوند بارها در کتاب خود برای بیان حقایق مهم و تأکید بر آن‌ها، به پدیده‌های گوناگونی سوگند خورده است؛ ولی در هیچ جای قرآن، به اندازه‌ی این سوره، قسم یاد نکرده است. ما در این سوره با یازده سوگند روبه‌رو هستیم که سه تای آن‌ها، سوگند خداوند به خود است. آن سوگندهای یازده‌گانه این‌هاست: ۱- سوگند به خورشید ﴿وَالشَّمْسِ﴾؛ ۲- سوگند به روشنایی خورشید در آغاز روز ﴿وَصُحُفِهَا﴾؛ ۳- سوگند به ماه که پس از خورشید به صفحه‌ی آسمان می‌آید ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا﴾؛ ۴- سوگند به روز؛ آنگاه که زمین را آشکار کند ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا﴾ ۵- سوگند به شب؛ آن‌گاه که زمین را فراگیرد و با تاریکی خود بپوشاند ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰهَا﴾؛ ۶- سوگند به آسمان ﴿وَالسَّمَاءِ﴾؛ ۷- سوگند به نیروی عظیمی که آن را بنا کرده است ﴿وَمَا بَنَىٰهَا﴾؛ ۸- سوگند به زمین ﴿وَالْأَرْضِ﴾؛ ۹- سوگند به نیروی عظیمی که آن را گسترده است ﴿وَمَا مَطَّحُهَا﴾؛ ۱۰- سوگند به نفس انسان ﴿وَالنَّفْسِ﴾؛ ۱۱- سوگند به نیروی عظیمی که آن را کامل و بی‌نقص آفرید ﴿وَمَا سَوَّاهَا﴾. آری، این سوگندهای پی‌درپی و بی‌مانند، نشانگر اهمیت فراوان مطلبی است که برای آن سوگند خورده شده است؛ حقیقتی که سعادت انسان در گرو آن است، و بی‌توجهی به آن، انسان را به نابودی می‌رساند.

تمام این سوگندها برای بیان دو جمله است: «بی‌شک کسی که نفس خود را رشد دهد، به هدف و مقصود خویش دست یافته، و هر کس جلوی رشد آن را بگیرد [و در مسیر گناه گام بردارد]، ناکام خواهد ماند و به مقصود نخواهد رسید.» «قَدْ أَلْحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا». در حقیقت، روح و جان همه‌ی انسان‌ها، در ابتدا مانند زمین بایر و حاصل‌خیزی‌ست که برای کاشت هر نوع محصولی آماده‌ی دارد. اگر انسان به این زمین توجه کند و آن را از علف‌های هرز و آفات گوناگون پاک کند و در آن، محصولات ارزشمند بکارد، صاحب باغ و مزرعه‌ای سرسبز و خرم می‌شود که هر روز محصولی نو و میوه‌ای لذیذ تقدیم می‌کند؛ اما اگر آن را به حال خود رها کند و جلوی رشد گیاهان ارزشمند در آن را بگیرد و زمینه را برای رشد خارها و علف‌ها فراهم کند، زمینی پر از گیاهان هرزه خواهد داشت. انسان نیز اگر روح و جان خود را پرورش دهد و آن را از اخلاق و صفات ناپسند پاک کند و اخلاق و صفات پسندیده را در آن پروراند، به انسانی رشدیافته، باارزش و سعادتمند تبدیل می‌شود که مورد احترام فرشتگان قرار خواهد گرفت؛ اما اگر جان خود را از زشتی‌ها پاک نکند و با گناه و نافرمانی خدا، جلوی رشد آن را بگیرد، از خود انسانی پست و بی‌ارزش می‌سازد که تنها لیاقت هم‌نشینی با شیاطین را خواهد داشت. آری، این آیات به همگان اعلام می‌کند که رستگاری و خوشبختی حقیقی، در داشتن مال و ثروت، قدرت و شهرت و نیاکان و خویشاوندان پرآوازه نیست؛ بلکه رستگاری راستین، تنها در سایه‌ی خودسازی، تزکیه، پرورش روح و جان انسان به دست می‌آید.

لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۝ ۱۵ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ۝ ۱۶ وَسَيَجْزِيهَا
 كَيْتَا شِقَاقَيْنِ مَرْمٍ دَرَّ أَنْ وُلِدَ مِنْهُ وَهُوَ مِنْ سَوَادِ ۱۵ هُوَ كَيْتَا (آیات الهی را) دروغ شمرده و (به آن) پشت کرد. ۱۶ قطعاً با تقواترین مردم، از آن دور نگه داشته
 الْآتِقَى ۝ ۱۷ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ۝ ۱۸ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ
 مِثْلِهِ ۱۷ همان کس که اموالش را انفاق می کند؛ در حالی که می خواهد پاک شود و رشد یابد. ۱۸ حال آن که هیچ کس بر گردن او حلی نداشته که (لزم باشد بدین وسیله)
 نِعْمَةٍ تُجْزَى ۝ ۱۹ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ۝ ۲۰ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ۝ ۱۱
 جبران شود. ۱۹ بلکه او (فقط) برای به دست آوردن خشنودی پروردگارش که بلندمرتبه ترین است. (از مال خویش انفاق می کند). ۲۰ قطعاً به زودی خشنود خواهد شد. ۲۱

آیاتها ۱۱ سُورَةُ الضُّحَىٰ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

وَالضُّحَىٰ ۝ ۱ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ۝ ۲ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ۝ ۳
 سُوگند به ابتدای روز؛ ۱ و سُوگند به شب، آنگاه که آرام گیرد (و تاریکی اش همه جا را بپوشاند). ۲ (که) به هیچ وجه پروردگارت تو را رها نکرده و
 وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ۝ ۴ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
 از تو بدش نیامده است؛ ۳ و قطعاً آخرت برای تو بهتر از دنیاست؛ ۴ و به زودی پروردگارت (پاداشی) به تو عطا می کند که (کاملاً) راضی
 فَتَرْضَىٰ ۝ ۵ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ۝ ۶ وَوَجَدَكَ ضَالًّا
 خواهی شد. مگر نه این که تو را یتیم یافت؛ پس جا و پناهت داد. مگر نه این که تو را (از وحی و نبوت) بی خبر یافت؛ آنگاه (به این امر)
 فَهَدَىٰ ۝ ۷ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ۝ ۸ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ
 راه نمایی ات کرد. ۷ مگر نه این که تو را فقیر یافت؛ آنگاه تو را ثروتمند کرد. ۸ بنابراین، یتیم زور نگو و خویش مکن.
 ۹ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝ ۱۰ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۝ ۱۱
 و گدا را با تندگی از خود نران. ۱۰ و در برهه ی نعمت پروردگارت سخن بگو و آن را بلاگو کن. ۱۱

آیاتها ۸ سُورَةُ الشُّرُوحِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۝ ۱ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۝ ۲ الَّذِي
 آیا قلب تو را پلید از این مسکولیت سنگین نکردیم؟ ۱ و بار سنگین (مسالت) تو را از پشت برداشتم (و در اجرای آن یاری ات کردیم؟) ۲ (باری که) به هفتاد پر پشت سنگینی می کردی و
 أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۝ ۳ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۝ ۴ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ ۵ إِنَّ
 آیا (نم) تو را بلند آوازه نکردیم؟ (خدا این چنین تو را غرق در املف خود کرد) (زیرا همراه هر سختی ای آسانی ای هست. همراه این سختی (و مأموریت جدید نیز) آسانی خواهد بود. سپس
 مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ ۶ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۝ ۷ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝ ۸
 هنگامی که (از مأموریت نخستین) فارغ شدی. (برای تعیین علی بن ابی طالب به جانشینی خود) تلاش کن. ۷ و تنها به پروردگارت امید داشته باش و یا تفرغ و زاری از او درخواست کن. ۸

۵ و ۶ (سوره‌ی شرح). با هر سختی‌ای، آسانی‌ای هست: یکی از دلایل حَقَانِیَّتِ اسلام، زندگی پیامبر اسلام ﷺ است. می‌دانیم که پیامبر ﷺ در مرکزِ شرک و بت‌پرستی مبعوث شد و مردم آن سرزمین را به یگانگی خدا و دوری از بت‌ها دعوت کرد. طبق گزارش تاریخ، در ابتدا افراد بسیار اندکی دعوت پیامبر ﷺ را پذیرفتند؛ افرادی که بیشتر از قشر فرودست جامعه به شمار می‌آمدند. سران شرک و بت‌پرستی اما در برابر پیامبر ﷺ ایستادند و بدو اتهام دیوانگی، سحر و ارتباط با جنیان بستند، و با بیشتر شدن پیروان دین جدید، آنان را شکنجه کردند و بر آزار و اذیت و فشار خود بر ایشان افزودند؛ به طوری که به فرمان پیامبر ﷺ گروهی از آنان مجبور به مهاجرت به حبشه شدند. محاصره‌ی اقتصادی مسلمانان، دوران سختی‌ست که هیچ‌گاه از حافظه‌ی تاریخ پاک نمی‌شود. در آن محاصره، سختی و فشار، روز به روز افزایش یافت. تا این‌که جان پیامبر ﷺ و مسلمانان دیگر به خطر افتاد، و آن حضرت برای حفظ جان مسلمانان، مجبور به ترک زادگاه خود شد. اما این پیامبرِ مظلوم و همراهان ستم‌دیده‌اش، به سرعت نیرومند شدند و نام و آوازه‌شان که به خیال مشرکان قرار بود برای همیشه فراموش شود، چنان همه جا را فرا گرفت که هیچ‌کس باور نمی‌کرد. دل‌ها در برابر او تعظیم کرد و بزرگان در پیشگاهش سر فرود آوردند. عشق و محبت به او، پیش از هر چیز به جان‌ها وارد شد و شمار مسلمانان افزایش یافت.

خداوند در این سوره (سوره‌ی شرح) با یادآوری این مطلب به پیامبر ﷺ و همه‌ی مسلمانان، بیان می‌فرماید که علت اصلی سربلندی پیامبر ﷺ و سرافرازی دین اسلام، صبر و تحمل بی‌نظیر آن حضرت در برابر سختی‌ها بود. این صبر و تحمل، سنگ‌هایی را که در برابر پیامبر ﷺ و در مسیر شکوفایی اسلام قرار داشت، کنار زد و مشکلات و سختی‌ها را به آسانی و گشایش تبدیل کرد. آری، این وعده‌ی قطعی خداست که «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (همراه هر سختی‌ای، آسانی‌ای هست). از این رو ما نیز که پیروان آن مرد خستگی‌ناپذیر هستیم، نباید خود را در برابر مشکلات ببازیم؛ بلکه باید با نشاط و توکل بر خدا، به سوی مقصد والای خویش حرکت کنیم و مطمئن باشیم که در پس هر مشکلی، آسانی و گشایشی نهفته است. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است: «بدان که با صبر، پیروزی‌ست، و با غم و اندوه، خوشحالی و گشایش است، و با سختی‌ها، آسانی‌ست.» همچنین از امام علی علیه السلام نقل شده است: «صبر، کلید گشایش است.» «صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم‌اند/ بر اثر صبر، نوبت ظفر آید».

آیاتها ۸ سُوْرَةُ التِّينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

والتين والزيتون ۱ وطور سینین ۲ وهذا البلد الامین ۳
 سوگند به انجیر و زیتون؛ ۱ و سوگند به کوه سینا؛ ۲ و سوگند به این شهر امن؛ ۳
 لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم ۴ ثم رددناه اسفل سفلین
 که پهرستی انسان را در بهترین ساختار و کاملترین تناسب آفریدیم. ۴ سپس او را از هر پستی، پست‌تر کردیم.
 الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات فلهم اجر غير ممنون ۵
 ۵ جز کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند که پاداشی بی‌پایان خواهند داشت.
 فما يكذبك بعد بالدين ۶ اليس الله باحکم الحاکمین ۸
 ۶ پس (ای پیامبر)، چه کسی می‌تواند تو را در مورد قیامت، دروغ‌گو بشمارد (و منکر معاد شود)؟ ۷ آیا خدا بهترین داور نیست؟ ۸

آیاتها ۱۹ سُوْرَةُ العنقَبِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

اقرا باسم ربك الذي خلق ۱ خلق الانسان من علق ۲ اقرأ وربك الاكرم ۳
 (حق الهی را بخوان! در حالی که) با نام ماله و صاحب‌اختیارت که آفریدن آغاز می‌کند! ۱! (همو که) انسان را از لخته‌ای خون آفرید. ۲ بخوان! در حالی که ماله و صاحب‌اختیارت (از همه)
 الذي علم بالقلم ۴ علم الانسان ما لم يعلم ۵ کلا ان
 بزرگ‌تر و سزاوارتر است ۳! همو که به وسیله قلم تعلیم داد. ۴ (و) به انسان چیزهایی را آموخت که نمی‌دانست. فاروق این ناسپاس! به هیچ وجه (مگر گزری نکرده) چه این که انسان زمانی که
 الانسان ليطغى ۶ ان رءاه استغنى ۷ ان الى ربك الرجعى ۸ ارعيت
 خود را ژرف‌اند (و این‌ها) ببینند، قطعا سرکشی می‌کنند. ۶ و ۷ بزرگ‌گفت (همه) فقط به سوی پروردگار توست. ۸ به من خبر بده، آن کسی که بنده‌ای را در آن هنگام که نماز می‌خواند، بل‌م‌م‌م‌م
 الذي ينهى ۹ عبدا اذا صلى ۱۰ ارعيت ان كان على الهدى ۱۱ او
 (مگر نمی‌داند که خدا می‌بیند؟ ۹ و ۱۰ به من خبر بده، اگر (آن بنده) بر هدایت (سوار) باشد. ۱۱ یا به حفظ کردن خوبت (از خشم خدا) فرمان دهد. مگر آن خصی نمی‌کنند یعنی داند که
 امر بالتقوى ۱۲ ارعيت ان كذب وتولى ۱۳ ألم يعلم بان الله يرى ۱۴
 خدا می‌بیند؟ ۱۲ به من خبر بده، اگر (آن خصی) نمی‌کنند) انکار کند و روی برگرداند. ۱۳ مگر نمی‌داند که خدا می‌بیند؟ ۱۴ به هیچ وجه (بند چینی رفتاری داشته باشد) که قطعا اگر دست
 کلا لئن لم ينته لنسفعا بالتاصية ۱۵ ناصية كاذبة خاطئة ۱۶ فليدع
 براندازد، موهبی جلوی سرش را به پشت می‌گیریم (و او را به سمت آتش می‌کشانیم) ۱۵ موهبی جلوی سر (همین فرد) دروغ‌گوی عطاگر را ۱۶ آن وقت اگر بخواند، عذاب را از خود دفع کند)
 ناديه ۱۷ سندع الزبانية ۱۸ کلا لا تطعه واسجد واقترب ۱۹
 باند دار و دست‌اش را صدا بزنی. ۱۷ ما (زبانی) مأموران (عذاب) را صدا خواهیم زد. ۱۸ به هیچ وجه (چنین نیست که او می‌پندارد) از او اطاعت نکن و سجده کن و (به ما) نزدیک شو. ۱۹

۱ تا ۵ (سوره ی علق). آغاز وحی: در شب بیست و هفتم رجب سال چهارم عام الفیل، در حالی که پیامبر ﷺ در غار حرا به عبادت مشغول بود، پیک وحی یعنی جبرائیل امین از سوی خدا بر پیامبر ﷺ فرود آمد و پنج آیه ابتدایی سوره ی علق را بر آن حضرت نازل کرد، و بدین ترتیب، مأموریت جهانی پیامبر ﷺ آغاز شد؛ مأموریتی برای مبارزه با هر گونه شرک و بت پرستی و ظلم و ستم؛ مأموریتی برای رشد انسان‌ها و راه‌نمایی آنان به سوی سعادت حقیقی‌شان. این آیات به پیامبر ﷺ فرمان داد که خواندن وحی الهی را در حالی آغاز کند که با نام و یاد خدا همراه باشد؛ خدایی که جهانیان را آفریده و انسان را از لخته‌ای خون پدید آورده است؛ خدایی که بزرگوار و سخاوتمند است و در میان انسان‌ها، قلم را قرار داده و به وسیله‌ی آن، علم و دانش را به آنان آموخته است؛ مطالبی که انسان‌ها از آن خبر نداشتند و جز به لطف الهی نمی‌توانستند از آن آگاه شوند. البته در مورد جزئیات نخستین وحی الهی بر پیامبر ﷺ مطالبی نقل شده که مقبول نیست؛ مانند این که گفته‌اند «پیامبر ﷺ پس از نزول این آیات، به شدت پریشان شد و حتی شک کرد که آنچه بر او نازل شده، از سوی خدا بوده یا نه. پس ماجرا را برای همسر گرامی‌اش خدیجه رضی الله عنها بیان کرد. او نیز نزد عموزاده‌اش «ورقه بن نوفل» - که فردی مسیحی و آگاه از کتاب‌های آسمانی بود - رفت و ماجرا را برای او بازگو کرد. ورقه نیز پس از شنیدن سخنان خدیجه، به او دلداری داد که ویژگی‌های همسرش در کتاب‌های آسمانی آمده و او پیامبری‌ست که عیسی رضی الله عنه نویدش را داده است. بدین ترتیب، پیامبر ﷺ از نگرانی و اضطراب بیرون آمد.»! به راستی آیا پیامبری که برای هدایت تمام جهانیان مبعوث شده و قرار است قافله‌ی بشریت را به سرنزول مقصود برساند، باید حقایق خود را از فردی مسیحی دریافت کند؟ آیا امکان دارد کسی که پیام‌های خدا را به مردم می‌رساند، در نبوت خود شک داشته باشد؟ آیا ممکن است پیامبر ﷺ تفاوت وحی و غیر وحی را نفهمد؟ به هیچ وجه. در قرآن کریم بارها چنین آمده که آن حضرت دلیل روشنی بر نبوت خود دارد و با بصیرت و بینایی کامل به راه خود ادامه می‌دهد. در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است که پیامبر ﷺ وحی را با یقین کامل دریافت می‌کرد. از این فراتر، در روایتی از امیر مؤمنان علی رضی الله عنه می‌خوانیم که آن حضرت نیز نور وحی را می‌دید و بوی خوش نبوت را می‌شنید؛ و به فرموده‌ی پیامبر ﷺ آنچه را که آن حضرت می‌دید، مشاهده می‌کرد، و آنچه را که آن حضرت می‌شنید، می‌شنید؛ ولی او پیامبر نبود و بر او وحی نمی‌شد؛ بلکه جانشین پیامبر ﷺ بود.

آری، حرکت اسلام، با نام و یاد خدای بزرگ و با توجه دادن بندگان به علم و قدرت بی‌پایان او و با تشویق به دانش‌اندوزی و علم‌آموزی آغاز شد. پیامبر ﷺ در میان مردمی مبعوث شد که جهل و نادانی آنان در تاریخ مشهور و معروف است؛ اما نخستین آیات نازل شده بدو، سخن از «خواندن»، «علم» و «قلم» می‌گوید، و این نشان‌دهنده‌ی اهمیتی‌ست که دین اسلام به علم و دانش می‌دهد؛ چرا که منشأ همه‌ی بدبختی‌های انسان، جهل و نادانی‌ست و برای ورود به مسیر نورانی هدایت، باید ابتدا پرده‌های جهل را کنار زد. بنابراین شایسته است که امت مسلمان همواره در میدان علم و دانش حقیقی، پیشرو باشد و گوی سبقت را از دیگران بریاید.

آیاتها ۵ **سُورَةُ الْقَدْرِ**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۱ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۲

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. ۱ و تو چه می‌دانی که شب قدر چیست؟ ۲

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۳ تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحِ

شب قدر، از هزار ماه بهتر است. ۳ در آن شب، فرشتگان و روح،

فِيهَا يَأْذِنُ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ ۴ سَلَّمَ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۵

مقدر کرده است، آرام آرام فرود می‌آیند. ۴ آن شب، تا طلوع سپیده‌دم به‌طور کامل (آکنده از) سلامت و امنیت است. ۵

آیاتها ۸ **سُورَةُ النَّبِيِّ**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ

کافران، یعنی اهل کتاب و مشرکان، (از شدت تعصب، از آیین خود) دست‌بردار نبودند؛ مگر این‌که آن دلیل روشن سراغشان بیاید! یعنی

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ۱ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ۲

فرستاده‌ای (وولامقام) از سوی خدا که صفحاتی را که (از هر آلودگی و انحرافی) پاک شده است، بر مردم می‌خواند. ۲ در آن (صفحه‌های

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ۳ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ

پاک شده)، نوشته‌هایی کاملاً درست و دور از اشتباه وجود دارد. ۳ اهل کتاب، (از پیرامون دین حق) پراکنده نشدند؛ مگر پس از آن‌که دلیل

بَعْدَ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ۴ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ

روشن سراغشان آمد (و حجت بر آنان تمام شد)؛ حال آن‌که آنان فقط به این مأمور شده بودند که خدا را بپرستند در حالی که عبادت (خویش)

لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ

را برای او خالص کرده‌اند و (از هر معبود پاطلی) به سمت حق متمایل شده‌اند، و این‌که نماز را کامل و بی‌نقص به جای آورند و (از مال خویش)

الْقِيَمَةِ ۵ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ

اتفاق کنند (چه واجب باشد و چه مستحب). (آری، این است دین (کتاب‌های آسمانی) به دور از انحراف. ۵ کافران، یعنی اهل کتاب

فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۶ إِنَّ

و مشرکان (که از پذیرفتن دین حق سرباز زدند)، همیشه در آتش دوزخ خواهند ماند. آنان، بدترین مخلوقات‌اند. ۶ کسانی

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۷

که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، بهترین مخلوقات‌اند. ۷

۱ تا ۵ (سوره‌ی قدر). شب قدر: در میان مکان‌ها، برخی ویژگی خاصی دارند؛ مثلاً مکه بر مکان‌های دیگر امتیاز دارد. در میان زمان‌ها نیز بعضی بر دیگر زمان‌ها امتیاز ویژه‌ای دارند. یکی از زمان‌های خاص و ممتاز، «شب قدر» است. این شب به اندازه‌ای مهم است که یک سوره‌ی قرآن به آن اختصاص یافته است. برای آشنا شدن با این شب مهم، بهتر است با آیات سوره‌ی قدر بیشتر آشنا شویم: آیه‌ی ۱: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم». بر اساس آیه‌ی ۱۸۵ سوره‌ی بقره، قرآن در ماه رمضان نازل شده، و به فرموده‌ی این آیه (آیه‌ی ۱)، قرآن در شب قدر نازل شده است. از سوی دیگر می‌دانیم که قرآن به تدریج در سال بر پیامبر ﷺ نازل شده است. امام صادق (علیه السلام) در توضیح این مطلب فرموده است که قرآن یکباره در ماه رمضان از سوی خدا به «بیت‌المعمور» (جایی در ملکوت و عالم غیب که از حواس ما پنهان است) نازل شد و از آنجا به تدریج بر پیامبر ﷺ نازل یافت. آیه‌ی ۲: «و توجه می‌دانی که شب قدر چیست؟» این جمله، نشان‌دهنده‌ی اهمیت و عظمت فراوان شب قدر است؛ چنان‌که گویی تنها خدای دانا، بزرگی آن را به درستی می‌داند. آیه‌ی ۳: «شب قدر از هزار ماه بهتر است» یعنی عبادت در این شب بزرگ، از عبادت هزار ماه بهتر است و پاداشش بیشتر است. بر اساس روایات، بیدار ماندن در این شب و مشغول بودن به عبادت در آن، باعث آمرزش گناهان خواهد شد. آیه‌ی ۴: «در آن شب، فرشتگان و روح با اجازه‌ی پروردگارشان، برای [تدبیر] هر کاری [که خدا مقدر کرده است] آرام آرام فرود می‌آیند.»

می‌دانیم که فرشتگان، از سوی خدا مأمور تدبیر امور عالم هستند. به فرموده‌ی این آیه، در شب قدر، فرشتگان و روح - که مخلوقی عظیم‌تر از فرشتگان است - برای تقدیر و تعیین سرنوشت‌ها و آوردن هر خیر و برکتی فرود می‌آیند. بر اساس روایات، فرشتگان، مقدرات جهان را نزد امام هر زمانی می‌آورند و به تأیید آن حضرت می‌رسانند. البته باید توجه کنیم که تقدیر مرگ و زندگی، مقدار روزی‌ها و ... با عملکرد خود انسان‌ها ارتباط مستقیم دارد، و توجه به خدا، تلاش و کوشش، رعایت نظم و انضباط و توجه به سلامت جسم و روح، ارتباطی مستقیم با تقدیر الهی دارد. آیه‌ی ۵: «آن شب تا طلوع سپیده‌دم به طور کامل [آکنده از] سلامت و امنیت است»: بر اساس روایات، شیاطین در شب قدر در زنجیر هستند و لطف و رحمت خاص خدا تا طلوع سپیده‌دم بر بندگان نازل می‌شود. همچنین در احادیث می‌خوانیم که فرشتگان خدا در آن شب تا طلوع فجر بر پیامبر ﷺ و جانشینان معصوم او و بر افراد بالیمان سلام و درود می‌فرستند. به فرموده‌ی روایات، خواندن سوره‌ی قدر، ثواب فراوانی دارد و خوب است در رکعت یکم تمام نمازهای واجب، این سوره خوانده شود.

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

پاداش آنان، نزد پروردگزارهان، باغ‌هایی (از بهشت) است که برای اقامت همیشگی است و از زیر (درختان) آن‌ها، نهرها جاری است (و همیشه در

فیها أبداً رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشي ربه ۸

آن خواهند ماند. خداوند از آنان خشنود است و آنان (نیز) از او خشنودند. این (پاداش)، برای کسی است که از مالک و صاحب‌اختیارش بترسد. ۸

آیاتها ۸ سوره الزلزله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۱ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا

آنگاه که زمین به گونه‌ی خاص خودش (که در علم الهی برای پایان دنیا مقرر شده)، لرزانده شود؛ ۱ و زمین، براهی سنگین خود را بیرون ببرد؛

۲ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۲ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا

۲ و انسان بگوید: «چه اتفاقی برای زمین افتاده است؟» ۲ در آن روز، (زمین)، خبرهایش را بازگو می‌کند؛

۴ بَاتَّ رَبُّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ۵ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ

۴ زیرا پروردگارت به او الهام کرده است (که چنین کند). ۵ در آن روز، مردم به‌طور پراکنده (از جایگاه محاسبه‌ی اعمال)، به منزل

أَسْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ۶ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

بهشتی یا جهنمی خود) باز می‌گردند تا (حقیقت) اعمال‌شان به آنان نشان داده شود. ۶ بنابراین، هر کس که به سنگینی ذره‌ای از ذرات کرد

خَيْرًا يَرَهُ ۷ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۸

و غبار، کار خوبی بکند، آن را خواهد دید. ۷ و هر کس به سنگینی ذره‌ای از ذرات کرد و غبار، کار بدی بکند، آن را خواهد دید. ۸

آیاتها ۱۱ سوره العنكبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

وَالْعَدِيدِ صُبْحًا ۱ فَاَلْمُورِيَّتِ قَدْحًا ۲ فَالْمُغِيرَتِ صُبْحًا

سوکند به اسب‌هایی که نسرزان با سرعت می‌دوند. ۱ سپس یا کوبیدن (سم‌هایشان بر زمین)، جرعه ایجاد می‌کنند. ۲ آنگاه در صبحگاهان، (سولان‌شان)

۳ فَاتَّرَنَ بِهِ نَقْعًا ۴ فَوْسَطَنَ بِهِ جَمْعًا ۵ إِنَّ الْإِنْسَانَ

بسرعت (بر دشمن) هجوم می‌آورد. ۳ پس در آن هنگام، کرد و غباری به هوا بلند می‌کنند. ۴ و در آن زمان، در وسط گروهی (از دشمنان) قرار

لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ۶ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ۷ وَإِنَّهُ لِحُبِّ

می‌گیرند. ۵ (سوکند به آن اسب‌ها) که بی‌شک انسان نسبت به مالک و صاحب‌اختیارش بسیار ناسپاس است؛ ۶ و خودش (هم) بر این (ناسپاسی) گواهی

الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ۸ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ ۹

می‌دهد. ۷ و قطعاً او به سبب علاقه به مال و منال، بخیل است. ۸ آیا نمی‌داند آنگاه که قبرها زیر و رو شوند و آنچه در آن‌هاست، بیرون آورده شود. ۹

۳۳

۱ تا ۸ (سوره‌ی زلزله). زلزله‌ی قیامت: این سوره، گزارشی کوتاه و بسیار پرمحتوا از وضعیت قیامت است؛ فرجامی گریزنپذیر که همه‌ی ما با آن روبه‌رو خواهیم شد. در آیه‌ی یک این سوره می‌خوانیم که در آستانه‌ی قیامت، زمین به صورت عجیبی لرزانده می‌شود؛ زلزله‌ی عظیمی که بر اساس آیات دیگر قرآن، کوه‌ها را از جا می‌کند و آن‌ها را ریز و خرد می‌کند. به فرموده‌ی آیات ۲ و ۳، در پی آن زلزله‌ی شدید، زمین «بارهای سنگین» خود را بیرون می‌ریزد و میلیاردها انسان مرده‌ای را که در خاک مدفون هستند، از زیر زمین بیرون کشیده، بر صفحه‌ی خود آشکار می‌کند، و آنان وحشت‌زده فریاد برمی‌آورند که چه اتفاقی برای زمین افتاده است! به فرموده‌ی آیات ۴ و ۵، در قیامت، زمین به فرمان خدا زبان می‌گشاید و در مقام یکی از گواهان دادگاه قیامت، از عملکرد مردمی که روی آن زندگی کرده‌اند، پرده برمی‌دارد. در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ می‌خوانیم: «منظور از خبر دادن زمین این است که در باره‌ی کارهای هر مرد و زنی بر روی خود گواهی می‌دهد و می‌گوید: فلانی، چنین کاری را در فلان روز انجام داد.» در آیه‌ی ۶ می‌خوانیم که «در آن روز، مردم به طور پراکنده [از جایگاه حساب اعمال، به منازل بهشتی یا جهنمی خود] باز می‌گردند تا [حقیقت] اعمالشان به آنان نشان داده شود.»

آری، هر یک از دو گروه بهشتی و دوزخی، به خانه‌ای که در بهشت یا دوزخ برای خود ساخته‌اند، می‌روند؛ بهشتیان با خوشحالی، نتیجه‌ی سعی و تلاش خود را می‌بینند، و دوزخیان با افسوس و ناراحتی، نتیجه‌ی یک عمر گناه و نافرمانی را مشاهده می‌کنند. به فرموده‌ی پیامبر گرامی اسلام، فرجام هر کس، فقط همان کارهای اوست که به او باز می‌گردد. سپس در آیات ۷ و ۸ بیان می‌فرماید که انسان‌ها تمام کارهای خود را در قیامت خواهند دید. حتی اگر کسی به اندازه‌ی ذره‌ای از ذرات معلق در هوا، کار خوب یا بد انجام داده باشد، آن را می‌بیند و تأثیر آن را در زندگی ابدی خود حس می‌کند. به‌راستی باور عمیق همین دو آیه می‌تواند در زندگی هر یک از ما تحول بزرگی ایجاد کند؛ زیرا یقین به این حقیقت که کوچک‌ترین کار ما نیز در سرنوشت ما اثر دارد، باعث مواظبت شدید بر اعمال و رفتارمان خواهد شد. در حدیثی از امام صادق ع می‌خوانیم: «هیچ کار خوبی را کوچک بشمار؛ زیرا فردای قیامت، آن را می‌بینی؛ به طوری که تو را خوشحال می‌کند. و هیچ کار بدی را کوچک بشمار؛ زیرا فردای قیامت، آن را می‌بینی؛ به طوری که تو را ناراحت خواهد کرد.»

وَحِصْلَ مَا فِي الصُّدُورِ ۱۰ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ۱۱

و (خوب و بد) آنچه در سینهها (مغزی بوده) است، از هم جدا شود، (کثیر و پادش اعمال خود را دریافت می کنند) ۱۰ در چنین روزی، قطعاً پروردگراشان از وضع آنان آگاه است. ۱۱

آیاتها **سُورَةُ الْقَارِعَةِ** ۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

الْقَارِعَةُ ۱ مَا الْقَارِعَةُ ۲ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ۳

آن (حادثه‌ی) کوبنده! ۱ آن (حادثه‌ی) کوبنده چیست؟ ۲ تو چه می‌دانی که آن حادثه‌ی کوبنده چیست؟

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ۴

۳ در روزی (واقع می‌شود) که مردم همچون حشرات (مضطرب) گرد آتش، (به هر سو) پراکنده خواهند شد.

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ۵

۴ و کوهها (بارنگ‌های متفاوت‌شان، از شدت گسستگی)، همچون پشم‌های رنگی حلاجی‌شده خواهند شد. ۵ اما کسی

مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۶ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۷

که (کفهی اعمال خوب) ترازوهایش سنگین باشد، ۶ در زندگی رضایت‌بخشی خواهد بود. ۷

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۸ فَأَمَّهُ هَٰوِيَةٌ ۹

اما کسی که (کفهی اعمال خوب) ترازوهایش سبک باشد، ۸ جایگاهش (در ته) درّه‌ای عمیق خواهد بود. ۹

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ ۱۰ نَارًا حَامِيَةً ۱۱

و تو چه می‌دانی که آن (درّه‌ی عمیق) چیست؟! ۱۰ آتشی بسیار پر حرارت است. ۱۱

آیاتها **سُورَةُ التَّكْوِينِ** ۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

الْهَنَّاكُمُ التَّكْوِينِ ۱ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۲ كَلَّا سَوْفَ

فخر فروشی به مال و تعداد افراد، شما را سرگرم کرده است؛ تا آنجا که (برای شمارش مردگان خود) به قبرهای آنان سر زدید. ۲ به هیچ وجه (بیهوده

تَعْلَمُونَ ۳ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۴ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ

سرگرم نشودید؛ که) بزدی خواهید دانست. ۳ باز هم (می‌گویم که) به هیچ وجه (بیهوده سرگرم نشودید؛ که) بزدی خواهید دانست. ۴ هرگز چنین

عِلْمَ الْيَقِينِ ۵ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۶ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا

نیست که شما می‌پندارید؛ اگر آگاهی شما (از آخرت) همچون آگاهی از امور قطعی بود، به این امور بی‌ارزش سرگرم نمی‌شدید. ۵ قطعاً دوزخ

عَيْنَ الْيَقِينِ ۷ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۸

را خواهید دید؛ ۶ البته با دیدنی یقین‌آور، آن را خواهید دید. ۷ سپس در آن روز، قطعاً در بهره‌ی نعمت‌های (خدا) بجزخواست خواهید شد. ۸

۱ و ۲ (سوره‌ی تکاثر). فخرفروشی به مردگان!؛ یکی از صفات ناپسند مردم دوران جاهلیت، «فخرفروشی» بوده است. این ویژگی زشت، گاهی چنان بر وجود آنان مسلط می‌شد که حتی به کارهای بد و جنایات خود هم فخر می‌کردند و در باره‌ی آن‌ها اشعاری نیز می‌سرودند. در تاریخ آمده است که دو قبیله‌ی عرب با یکدیگر تفاخر کردند و به شمار افراد و جمعیت یا اموال و ثروت خود مباحثات کردند؛ تا آنجا که برای بالا بردن آمار قبیله‌شان، به گورستان‌های خود رفتند و قبرهای مردگان‌شان را نیز شمردند و به شمار افراد خود افزودند! آیات این سوره، با اشاره به آن حادثه‌ی خفت‌بار، و توبیخ و سرزنش آن افراد بی‌خرد، هر نوع تکاثر و فخرفروشی به مال و ثروت یا شمار افراد را محکوم می‌کند. از دیدگاه اسلام، زیاد بودن ثروت یا فرزندان انسان، هیچ برتری‌ای برای او ایجاد نمی‌کند، و تنها عامل برتری انسان از نظر قرآن، «ایمان، تقوا و رفتار شایسته» است. از این رو پیشوایان دین با تکاثر و فخرفروشی به شدت مبارزه کرده‌اند و آن را از بدترین ویژگی‌ها برای یک انسان برشمرده‌اند.

در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «دو چیز، مردم را هلاک می‌کند؛ ترس از فقر [که انسان را به کسب مال و ثروت از هر راهی وا می‌دارد] و فخرفروشی.» به طور کلی، منشأ تکاثر و فخرفروشی، بی‌توجهی انسان به عظمت و بزرگی خدا و کوچکی و آسیب‌پذیری خودش است. هنگامی که انسان از این دو نکته غافل شود، خود را بزرگ می‌پندارد، و برای اثبات این خیال خام، به کارهایی جاهلانه متوسل می‌شود؛ اما هنگامی که به خود بیاید و به ضعف و کوچکی‌اش در برابر خدای بزرگ توجه کند، دیگر دنبال کاری برای بزرگ نشان دادن خویش نمی‌رود. پیشوای نخست ما چه زیبا در این باره فرموده است: «انسان را چه به فخر فروختن؟! در ابتدا نطفه‌ای [بی‌ارزش] و در انتها مرداری [متعفن] است؛ نه می‌تواند [بدون لطف خدا] روزی خویش را تأمین کند و نه قدرت آن را دارد که جلوی مرگ خود را بگیرد.» البته باید بدانیم که فخرفروشی، تنها به ثروت و شمار افراد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه تکاثر در هر شکلی زشت و ناپسند است. گاهی ممکن است کسی برای فخرفروشی به دیگران، سراغ علم و دانش برود. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که به امام علی علیه السلام فرمود: «ای علی، هر کس علمی بیاموزد تا به وسیله‌ی آن با افراد نادان بحث و جدل کند، یا با افراد دانا مجادله نماید، یا مردم را به سوی خودش فرا خواند، از اهل آتش خواهد بود.»

آیاتها ۳ **سُورَةُ الْعَصْرِ**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

وَالْعَصْرِ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۲ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا

سوگند به روزگار (غلبه‌ی حق بر باطل؛ یا سوگند به بعد از ظهر)؛ ۱ که بی‌شک انسان در زیانی (بزرگ) به سر می‌برد؛ ۲ مگر کسانی که ایمان آورند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۳

و کارهای شایسته بکنند و یکدیگر را به حق سفارش کنند و یکدیگر را به صبر توصیه نمایند. ۳

آیاتها ۹ **سُورَةُ الْهَجَرَةِ**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ۱ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ۲

وای بر هر کس که پیوسته با گفتن عیب دیگران آنان را خرد می‌کند و بی‌سبب بر دیگران عیب می‌گذارد؛ ۱ همو که ثروتی (بنا بر ارزش) را جمع می‌کند و مرتب آن را

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۳ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۴

می‌شمارد؛ ۲ خیال می‌کند ثروتش او را جودانه کرده است؛ ۳ به هیچ وجه (چنین نیست؛ بلکه) قطعاً با بی‌اعتنایی در آن (آتش) بسازد خردکننده افکننده خواهد شد؛ ۴ و تو چه

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ۵ نَارُ اللَّهِ الْمَوْقِدَةُ ۶ الَّتِي تَطَّلِعُ

می‌دانی که آن (آتش) بسپار خردکننده چیست؟ ۵ آتش پر از فروخته‌ی خداست؛ ۶ که (نه تنها به جسم، بلکه) به جان (انسان)ها (تیز) می‌رسد؛ ۷ آن (آتش) راه فرزش از هر سوی بر

عَلَى الْأَفْئِدَةِ ۷ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ۸ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ۹

آنان بسته شده و ایشان را احاطه کرده است؛ ۸ و (آن آتش) در میان میله‌هایی که (پشت درهای دوزخ) کشیده شده، قرار دارد (و هیچ امیدى به باز شدن آن درها نیست)؛ ۹

آیاتها ۵ **سُورَةُ الْفِيلِ**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

الَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۱ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ

آیا توجه نکردی که پروردگارت با فیل‌سواران چه کرد؟ ۱ آیا نقشه‌ی شوم‌شان را نقش

فِي تَضَلُّلٍ ۲ وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۳ تَرْمِيهِمْ

بر آب نکرد؛ ۲ و به سوی آنان، دسته دسته پرندگان نقرستاد و بر ایشان مسلط نکرد؛ ۳ که به سمت آنان کلوخ‌هایی

بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ۴ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ ۵

می‌افکندند؛ ۴ در نتیجه، آنان را مانند دانه‌ای که (توسط آفت) خورده شده (و از درون ملامی گردیده)، قرار داد. ۵

۱ تا ۳ (سوره‌ی عصر). تنها گروه نجات‌یافته: آیات قرآن به‌روشنی گویای این حقیقت است که هر انسانی پیوسته در حال تجارت و خرید و فروش است. البته گروهی از انسان‌ها در تجارت خود ورشکسته می‌شوند و گروهی سود فراوانی را از این تجارت به دست می‌آورند. بر این اساس، دنیا، بازاری بزرگ است که ساکنانش در آن به تجارت مشغول هستند، و سرمایه‌ی طلایی آنان، عمرشان است؛ سرمایه‌ای که لحظه به لحظه از آن کاسته می‌شود و رو به اتمام است. البته هر یک از مردم در برابر از دست دادن این سرمایه‌ی نفیس، چیزهایی به دست می‌آورند. یکی به ثروتی کم یا هنگفت می‌رسد، دیگری صاحب خانه‌ای کوچک یا بزرگ می‌شود، و آن یکی به مقام و شهرت دست می‌یابد؛ اما همگی در برابر به دست آوردن این‌ها، سرمایه‌ی عمر خود را از دست داده‌اند، و در نهایت باید بازار دنیا را ترک کرده، به جهانی دیگر قدم گذارند؛ سرایی که برای رفاه و آسایش در آن باید از بازار دنیا ابزار و وسایل خاص خودش را فراهم کرد، و مال و ثروت، خانه و قصر و شهرت و مقام‌های دنیایی، در آنجا ارزشی ندارد و سودی به آنان نمی‌رساند. اینجاست که معنای ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ (انسان‌ها همگی در زیان هستند) به‌خوبی روشن می‌شود. آری، انسان‌ها سرمایه‌ی عمر خویش را صرف چیزهایی می‌کنند که برای زندگی جاودانشان سودی ندارد. در این میان، تنها و تنها یک گروه، زیرکانه سرمایه‌ی عمر خویش را صرف تجارتی می‌کنند که صددرصد سودآور است. آنان به خدا، پیامبر، قیامت و آنچه پروردگار جهان فرموده، ایمان آورده و زندگی خود را بر اساس این باور مقدس بنا کرده‌اند ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾. این باور و ایمان عمیق، در رفتار و کردار آنان نمایان شده و ایشان را به کارهای شایسته واداشته است. آنان با از دست دادن هر لحظه‌ی عمرشان، عملی شایسته به دست آورده‌اند و در بازار دنیا، مشتریان دائمی کارهای خوب بوده‌اند ﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾. البته آنان بازرگانان خودخواهی نبوده‌اند که تنها به فکر سود خود باشند؛ بلکه پیوسته دوستان ایمانی خود را به حق و حقیقت و لزوم پیروی از آن توصیه می‌کرده‌اند ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾ و به آنان سفارش می‌کرده‌اند که بر ناملایمات دنیا صبر و شکیبایی ورزند و مبادا سختی‌های تجارت پرسودشان، آنان را از ادامه‌ی مسیر بازداشته، به خرید و فروش‌های بی‌ارزش وا دارد ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾. آری، این گروه نیز سرانجام سرمایه‌ی عمر خود را از دست می‌دهند؛ ولی در برابر از دست دادن آن سرمایه‌ی محدود، به زندگی نامحدودی دست می‌یابند و برای همیشه در جوار رحمت پروردگارشان به آسایش می‌رسند. آیات ۲۹ و ۳۰ سوره‌ی فاطر، چه زیبا در باره‌ی این بازرگانان پیروز سخن می‌گوید: «کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز را کامل و بی‌نقص به جا می‌آورند و از آنچه به آنان انفاق کرده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی [پرسود] امید دارند که هیچ زینانی در آن وجود ندارد. [آنان این کارهای شایسته را انجام می‌دهند] تا خداوند پاداششان را کامل به آن‌ها بدهد و از لطف و فضلش بر [پاداش] آن‌ها بیفزاید؛ زیرا او بسیار آمرزنده و شکرگزار است.»

سُورَةُ قُرَيْشٍ ٤ آياتها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

لَا يَلْفِ قُرَيْشٍ ١ اءَلْفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ

به سبب امنیت دادن به (راه‌های تجاری) قریش، ۱ (و نیز) امنیت دادن به (راه‌های) آنان در سفرهای زمستانی و تابستانی،

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ٢ الَّذِي أَطْعَمَهُم

۲ باید صاحب این خانه را بپرستند؛ ۳ همو که آنان را به سبب (برطرف کردن) گرسنگی (شدیدشان)

مِنْ جُوعٍ وَءَامَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ٤

غذا داد و به سبب (برطرف کردن) ترسی (بزرگ) ایمنی بخشید. ۴

سُورَةُ الْمَاعُونِ ٧ آياتها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

ارءَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْءَدِينِ ١ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ

آیا کسی را که کيفر و پاداش (قیامت) را انکار می‌کند، می‌شناسی؟ ۱ (اگر نمی‌شناسی،) او همان کسی است که یتیم را با تندی

الْيَتِيمَ ٢ وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ٣ قَوْلٌ

از خود می‌راند؛ ۲ و (دیگران را) به غذا دادن به فقیران تشویق نمی‌کند. ۳ پس وای بر

لِلْمُصَلِّينَ ٤ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ٥

(گروهی از) نماز خوانان؛ ۴ هم آنان که به نماز خود اهمیت نمی‌دهند و آن را آزر می‌کنند؛ ۵

الَّذِينَ هُمْ يُرَءَوْنَ ٦ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ٧

همان‌هایی که ریا می‌کنند؛ ۶ و هم‌یاری و کمک را (از دیگران) دریغ می‌کنند. ۷

سُورَةُ الْبُكُرَةِ ٣ آياتها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ ١ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ٢

ما به تو خیر و برکت فراوان دادیم. ۱ پس برای پروردگارت نماز بخوان و (در تکبیرهای نماز،) دستانت را تا نزدیک کوهی گردن بالا ببر. ۲

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ٣

دشمن تو، خودش مقطوع‌النسل خواهد بود؛ (نه تو). ۳

۱ تا ۳ (سوره ی کوثر). خیر و برکت فراوان: حضرت محمد ﷺ در دوران رسالت خود، با مشکلات گوناگونی روبه‌رو بود. وجود این مشکلات از یک‌سو، و طعنه و مسخره‌ی دشمنان پیامبر ﷺ از سوی دیگر، فشار روحی فراوانی بر آن حضرت وارد می‌کرد؛ فشاری که هیچ‌کس جز پیامبر ﷺ نمی‌توانست آن را تحمل کند. از این رو خداوند در آیات متعددی از قرآن با لحن مهربانانه به پیامبر خود دل‌داری می‌دهد و به آن حضرت وعده می‌دهد که پیروزی نهایی در دنیا و آخرت، از آن او و پیروان او خواهد بود. یکی از مشکلاتی که پیامبر ﷺ با آن مواجه بود، طعنه‌ی دشمنان آن حضرت در مورد نداشتن فرزند پسر بود. می‌دانیم که پیامبر ﷺ در دوران اقامت در مکه، دو پسر کوچک خود به نام‌های «قاسم» و «طاهر» را از دست داد. این موضوع، زبان بدخواهان قریش را به طعنه‌گشوده بود و آنان پیامبر ﷺ را «ابتر» یعنی شخص بدون نسل می‌نامیدند. آن‌ها بر اساس عقاید پوچ خود، برای فرزند پسر اهمیت بسیاری قائل بودند و او را تداوم‌بخش برنامه‌های پدر برمی‌شمردند. از این رو مشرکان، پس از وفات پسران پیامبر ﷺ گمان کردند که حتماً برنامه‌های پیامبر ﷺ به سبب نداشتن فرزند پسر، پس از رحلت او تعطیل خواهد شد، و راه و روش آنان، با نسل مشرکی که به جای می‌گذارند، باقی خواهد ماند؛ اما خداوند با نازل کردن این سوره، به پیامبر خود دل‌داری داد که به زودی خیر و برکت فراوانی (کوثر) به ایشان عطا خواهد کرد؛ خیر و برکتی که آثارش در دنیا و آخرت نمایان خواهد شد.

به فرموده‌ی روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام، آثار این خیر و برکت در قیامت، نهر ویژه‌ای در بهشت است که از آن پیامبر خدا، امیر مؤمنان علی علیه‌السلام و دوستان او امام علی علیه‌السلام خواهد بود؛ اما بزرگ‌ترین اثر این خیر و برکت فراوان در دنیا، بخشش فرزند بی‌مانندی همچون حضرت زهرا علیها‌السلام به پیامبر بود؛ دختری که خدا او را از هر گونه ناپاکی جسمی و روحی پاک کرده بود و برترین بانوی زنان جهان بوده و هست؛ فرزندی که از وجود او، یازده امام معصوم پدید آمدند و پیامبر اسلام او را پاره‌ی تن، نور چشم، و میوه‌ی دل و جان خویش نامید؛ بانویی که در کودکی، غبار غم را از چهره‌ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پاک می‌کرد، و در جوانی، تنها بانویی بود که در مقام و عظمت و رشد و کمالات، هم‌ردیف همسر گرامی‌اش علی علیه‌السلام بود، و پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با جان‌فشانی تاریخی خود، از حریم امامت و ولایت دفاع کرد و جان پرارزش خود را در راه دفاع از اسلام فدا نمود، و بدین ترتیب، دشمنان دین خدا را رسوا کرد. خداوند به وسیله‌ی این بانوی گرامی، نسل پیامبرش را زیاد فرمود و در سراسر زمین گسترش داد؛ تا حدی که هیچ نسلی به این شمار بر روی زمین وجود ندارد و این همان معنای کوثر یعنی «خیر کثیر» است. آری، خداوند در این سوره به پیامبر خود مژده داد که به‌زودی خیر و برکت فراوانی در دنیا و آخرت بدو عطا خواهد کرد و پیش‌گویی کرد که افرادی که به آن حضرت طعنه می‌زدند و او را بدون نسل می‌خواندند، خودشان بدون نسل خواهند شد. این پیش‌گویی قرآن، به‌روشنی اتفاق افتاد و پس از گذشت چند دهه، دیگر از دشمنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نسل آنان اثری باقی نماند. هم‌اکنون شمار فراوانی از سادات در سراسر زمین زندگی می‌کنند؛ ولی آیا کسی از نسل ابوجهل، ابولهب، ابوسفیان و... خبری دارد؟

آیاتها **سُورَةُ الْكَافِرُونَ** ۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۱ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۲

بگو: ای کافران، ۱ من آنچه را که شما می‌پرستید، نمی‌پرستم. ۲

وَلَا أَنْتُمْ عِبِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۳ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ۴

و شما آنچه را که من می‌پرستم، نخواهید پرستید. ۳ و من آنچه را که شما می‌پرستید، نخواهم پرستید. ۴

وَلَا أَنْتُمْ عِبِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۵ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ ۶

و شما آنچه را که من می‌پرستم، نخواهید پرستید. ۵ دین شما، مخصوص خودتان، و دین من (تو) مخصوص خودم است. ۶

آیاتها **سُورَةُ الْبُحُرَةِ** ۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۱ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ

آنگاه که یاری خدا و پیروزی فرارسد، ۱ و مردم را ببینی که گروه گروه

يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ۲ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

در دین خدا وارد می‌شوند، ۲ (در آن هنگام، در حالی که پروردگارت را می‌ستایی، از هر عیب و نقصی) منزه‌اش شمار و از او

وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۳

آمزش بخواه؛ زیرا او (به بندگانش) بسیار لطف و توجه دارد. ۳

آیاتها **سُورَةُ الْمُنْتَهَى** ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ ۱ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا

نفرین بر دستان ابولهب (که پیامبر را آزد) و مرگ بر خودش! ۱ ثروت و آنچه (از دنیا) به دست آورده،

كَسَبَ ۲ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۳ وَ امْرَأَتُهُ

سودی برایش ندارد. ۲ بی‌شک در آتشی شعله‌ور وارد خواهد شد و خواهد سوخت؛ ۳ (همچنین) همسرش؛ همو که

حَمَلَةَ الْحَطَبِ ۴ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ۵

با خود هیزم حمل می‌کند؛ ۴ که در گردنش، (برای حمل هیزم)، طناب محکمی از پوست درخت خرما قرار دارد. ۵

۱ تا ۵ (سوره ی مسد). نفرین بر ابولهب و همسرش: مدتی از بعثت پیامبر خدا ﷺ می‌گذشت. هنوز پیامبر ﷺ دعوت خود را کامل علنی نکرده بود؛ هرچند زمزمه‌هایی از محتوای آن در میان مردم پیچیده بود و مردم می‌دانستند که محمد ﷺ سخنان جدیدی به میان آورده است. دیگر اما دوران دعوت پنهان به پایان رسیده و پیامبر ﷺ مأمور بود رسالت خود را علنی برای مردم بیان فرماید. به همین منظور، یک روز بر فراز کوه صفا رفت و مردم را با صدای بلند به سوی خود فراخواند. مردم مکه با شنیدن صدای پیامبر ﷺ به سرعت به سوی ایشان حرکت کردند. نفس‌ها در سینه‌ها حبس شده بود. همه منتظر بودند تا خبر مهم محمد ﷺ را بشنوند. پیامبر ﷺ قبایل عرب را با نام صدا زد. همگی دور او حلقه زدند. آن‌گاه فرمود: به من بگویید اگر به شما خبر دهم که سواران دشمن می‌خواهند از کنار این کوه به شما حمله‌ور شوند، آیا سخن مرا باور می‌کنید؟ مردم که هرگز از آن حضرت دروغی نشنیده بودند و او را به امانت‌داری می‌شناختند، یک‌صدا گفتند: آری؛ ما هرگز از تو دروغی نشنیده‌ایم. در این هنگام، پیامبر خدا ﷺ فرمود: «من به شما هشدار می‌دهم که در پیش رویتان [و در عالم پس از مرگ و قیامت] عذابی شدید وجود دارد [و شما را به یکتاپرستی و ترک بت‌ها دعوت می‌کنم].» ناگهان از میان مردم، شخصی با بی‌ادبی و وقاحت نعره کشید: «مرگ بر تو! ما را فقط برای همین جمع کردی؟» آن فرد هتاک، ابولهب، عموی پیامبر ﷺ بود؛ کافر زشت‌سیرتی که تمام تلاش خود را برای خاموش کردن نور اسلام و بدنام کردن پیامبر ﷺ صرف می‌کرد. او با بدگفتن از پیامبر ﷺ سعی می‌کرد جلوی مردم حقیقت‌جو را از ملاقات با آن حضرت بگیرد. همچنین گاهی در حالی که پیامبر خدا، مردم را به یکتاپرستی دعوت می‌کرد، به پای آن حضرت سنگ می‌زد؛ به گونه‌ای که از پای مبارک حضرت خون می‌آمد، و در آن حال فریاد می‌کشید: ای مردم، این فرد دروغ‌گوست؛ سخنانش را باور نکنید! همسرش - که «ام‌جمیل» نام داشت - نیز مانند خودش، فردی کافرپیشه و از دشمنان سرسخت پیامبر بود. او بوته‌های خار را از بیابان جمع می‌کرد و با طناب محکمی از پوست خرما می‌بست و به شهر می‌آورد و بر سر راه پیغمبر اسلام می‌ریخت تا پاهای مبارکش آزرده شود. یک بار هم سنگی به دست گرفت و فریاد کشید که قصد کوبیدن آن سنگ را بر دهان پیامبر دارد. پس از بی‌شرمی ابولهب و بی‌احترامی او به پیامبر ﷺ، خدای بزرگ این سوره را نازل فرمود و در آن، ابولهب را نفرین کرد و به او و همسر کافرش وعده داد که به‌زودی در آتش شعله‌ور دوزخ وارد خواهند شد. گفته‌اند سر ابولهب با ضربه‌ای زخم شد و عفونت کرد و در پی همان عفونت مرد. می‌گویند عفونت بدن او به حدی شده بود که کسی جرأت نمی‌کرد نزدیک او شود. او را از مکه بیرون بردند و از دور بر او آب ریختند و سپس بر او آن قدر سنگ پرتاب کردند که بدنش زیر سنگ و خاک پنهان شد.

آیاتها ۴ **سُورَةُ الْاِخْلَاصِ**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۲ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

بگو: حقیقت این است که فقط «الله» یگانه است. ۱ «الله» سروری است که همه در نیازهایشان به او رو می‌کنند. ۲ نه فرزندى به وجود

۳ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۴

آورده و نه (از پدر و مادری) متولد شده است. ۳. و هیچ همتایی ندارد. ۴

آیاتها ۵ **سُورَةُ الْفَلَقِ**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۱ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۲ وَمِنْ

بگو: به کسی که امر سپیده دم (و همه‌ی مخلوقات) به دست اوست، پناه می‌برم؛ ۱ از شر آنچه آفریده است؛ ۲ و از شر شب تاریک،

شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۳ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ

آنگاه که فرا می‌رسد و همه جا را در بر می‌گیرد؛ ۳ و از شر آن (جادوگر)هایی که مرتب در گره‌ها

فِي الْعُقَدِ ۴ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۵

فوت می‌کنند؛ ۴ و از شر انسان حسود، در آن زمان که حسادت می‌کند (و در صدد ضربه زدن برمی‌آید). ۵

آیاتها ۶ **سُورَةُ النَّاسِ**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۱ مَلِكِ النَّاسِ ۲ إِلَهٍ

بگو: به مالک و صاحب اختیار مردم پناه می‌برم؛ ۱ به فرمان‌روای مردم؛ ۲ به خدای مردم؛ ۳ از شر آن

النَّاسِ ۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۴

(شیطان) که آهسته و ناپیدا سخن می‌گوید و پیوسته (هنگام یاد خدا) خود را عقب می‌کشد و پنهان می‌کند؛ ۴

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۵

همو که آهسته و ناپیدا در دل‌های مردم سخن می‌گوید. ۵

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۶

(خواه) از جنس جن‌ها (باشد) و (خواه) از جنس انسان‌ها. ۶

۱ تا ۴ (سوره‌ی توحید). یگانگی خدا: شاید نخستین سوره‌ای که هر یک از ما در کودکی از حفظ کرده‌ایم، سوره‌ی توحید باشد؛ سوره‌ای که در عین کوتاهی، بسیار پرمحتوا و باارزش است، و بدین سبب باید همگان از پدر و مادر و معلم خویش برای آموختن آن به خود سپاسگزار باشیم. بر اساس روایات فراوانی که از پیامبر و امامان گرامی به ما رسیده، خواندن این سوره، ثواب خواندن یک‌سوم قرآن را دارد، و نیز خواندن آن پس از هر نماز، باعث خیر و برکت دنیا و آخرت و آمرزش گناهان خواهد شد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «کسی که یک روز و شب بر او بگذرد و نمازهای پنجگانه را بخواند و در آن سوره‌ی توحید را نخواند، به او گفته می‌شود: «ای بنده‌ی خدا، تو از نمازگزاران [حقیقی] نیستی.» از این رو مجتهدان گفته‌اند که مکروه است انسان در هیچ‌یک از نمازهای یک شبانه‌روز، سوره‌ی توحید را نخواند، و نیز مستحب است که در تمام نمازها، در رکعت یکم، سوره‌ی قدر، و در رکعت دوم، سوره‌ی توحید خوانده شود.

شاید یکی از علل اصلی اهمیت فراوان سوره‌ی توحید این باشد که بحثی کوتاه و در عین حال کامل در باره‌ی توحید و یکتاپرستی و معرّفی خداوند در آن آمده است. در این سوره، با این چهار آیه روبه‌رو هستیم که هر یک مطلب مهمی را بازگو می‌کند: آیه‌ی ۱: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾: «أحد» به معنای «یکتایی‌ست که دوّمی ندارد». آری، خداوند، یکتا و تک است و هیچ خدای دیگری در کنار او وجود ندارد. بر خلاف آنچه بسیاری از ادیان ساختگی گذشته و حال ادّعا می‌کنند که در کنار خدا، خدایان دیگری در اداره‌ی جهان فعالیت می‌کنند، دین اسلام، خدا را یکتا و تک می‌داند و برای او «دومی» تصوّر نمی‌کند.

آیه‌ی ۲: ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾: «صمد» به معنای «شخص بزرگ و سروری‌ست که همه‌ی موجودات در نیازهایشان به او رو می‌کنند». آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی فاطر می‌فرماید: «ای مردم، شما [همگی] نیازمند خدا هستید و او بی‌نیاز و ستوده است». آیه‌ی ۳: ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾: بر خلاف آنچه مشرکان و بت‌پرستان می‌پنداشتند که فرشتگان دختران خدا هستند، و نیز بر خلاف آنچه یهودیان و مسیحیان می‌پنداشتند که خدا فرزندی دارد، این آیه با صراحت بیان می‌کند که خدا نه فرزندی به دنیا آورده و نه از پدر و مادری به دنیا آمده است. او ازلی و ابدی‌ست؛ همیشه وجود داشته و همیشه خواهد بود. آیه‌ی ۴: ﴿وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾: واژه‌ی «كُفُوًا» به معنای «همتا، مثل و مانند و نظیر» است. آری، خداوند هیچ همتا و مانندی ندارد و هیچ‌کس و هیچ‌چیز را نمی‌توان بدو تشبیه کرد؛ چنان‌که خودش در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی شوری می‌فرماید: «هیچ‌چیزی مانند او نیست.» توّجه به این حقیقت، پیوسته به انسان یادآوری می‌کند که هیچ‌کس و هیچ‌چیزی را با خدا مقایسه نکند و خدا را شبیه هیچ‌کس و هیچ‌چیز نداند. حقیقت این است که ما از «کیفیت و چستی» خدا هیچ اطلاعی نداریم و درک ما به آن حد نمی‌رسد. به همین سبب است که قرآن و اهل بیت علیهم السلام، ما را به تفکر در «نشانه‌های خدا» در عالم هستی دعوت کرده‌اند تا بدین طریق، به وجود او و علم و قدرت بی‌پایانش پی ببریم.